

پرویش آزادی از خشم
 و ریسیم رساتر است
 هشدگان قدرت ز خود آید،
 و اب منطق مشت نیست، گلوله نیست
 بر و رو شکنجه و آدم دزدی اگر
 باشد به جنگ آزادی رفت
 زیم شاه هنوز برقرار بود

شنبه
 ۲۶
 خرداد ۱۳۵۸
 ۲۱ رجب ۱۳۹۹
 ۱۶ ژوئن ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۸۲ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵ دال

سینار حقوقدانان

امروز سینار، بررسی خواستهای مردم ایران از قانون اساسی، که به ابتکار جمعیت حقوقدانان تشکیل شده است، کار خود را آغاز می کند.

اعتبار این سینار در آنست که در یک شکل صحیح، نیازهای کنونی جامعه ایران را، برای تعیین قانون اساسی سازگار با زمانه ما، و با حقوق همه مردم ایران، برآورد می کند. حاصل کار سینار به یقین چیزی خواهد بود فراتر از تدوین قانونی یک جانبه که در تدارک آن ساده ترین و بدیهی ترین نکات طرح یک قانون اساسی رعایت نشده باشد.

آغاز کار سینار نیز، درست مصادف با روز اعلام طرح قانون اساسی است که مدت هاست موضوع بحث است. از لحاظ سقوط رژیم میلیتاریستی پهلوی.

ما، گمان می بریم، حاصل و دست آورد سینار حقوقدانان، در مجموع، بهترین زمینه خواهد بود که طرح تهیه شده قانون اساسی را با آن محک بزنند. و بر اساس این طرح، مطالبات جامعه ایرانی را، در برخورد با واقعیات به حساب بیاورند و خود را با این مطالبات، آشتی دهند.

زیرا، بی هیچ تردید، قانونی که با روح مطالبات جامعه سازگار نباشد، هر اندازه در تصویب وقت به خرج دهند، و هر اندازه برای اجرائش بکوشند، در عمل از روز اول نسجیل و لازم الاجرا شدن، دچار تزلزل می شود، و جامعه آرا و مسووعه نظام مرتبط با آنرا همچون کلیه پیوندی مرد خواهد کرد.

بقیه در صفحه آخر

قانون اساسی به نظر خواهی

گذاشته شد دکتر سجایی: دولت برای رعایت مصلحت مملکت تصمیم گرفت مجلس موسسان را تشکیل ندهد

یداله سجایی معاون نخست وزیر بهد از ظهر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

قانون اساسی ظنر پنجشنبه برای توزیع آماده شد، اما چون امام خمینی هم در باره بعضی از اصول قانون اساسی نظریاتی دارند تا دریافت نظریات ایشان، قانون اساسی بطور عمومی توزیع نمی شود. اما قانون اساسی جدید، بطور کلی همانست که در کیهان روز پنجشنبه چاپ شده است.

شاید تا اواسط هفته جاری متن کامل شده به اطلاع همگان برسد. البته کسانی که نظریاتی دارند می توانند همان متن چاپ شده در کیهان را مورد بررسی قرار دهند.

وی در مورد اینکه روزنامه کیهان چگونه این متن را بدست آورده است، گفت: نمی دانم، مسلماً قانون اساسی از طرف دولت در اختیار کیهان قرار گرفته است. شاید هنگامی که متن به شورای

هیات اعرامی خلق تو کمن در بازگفت از قم اعلام کرد:

خلق تو کمن در رفرا اندم قانون اساسی شرکت نمی کند

● ما مانند سایر خلق ها و گروه های مترقی خواستاریم که قانون اساسی از طریق مجلس موسسان تدوین و تصویب شود

● ما آمده ایم بدولت هشدار دهیم تا یابد دیگر فاجعه در تو کمن صحرا بوجود نیاید

● دولت اسلامی باید به حق عمل کند اگر پشت پرده چیزی هست به ما هم بگوید تا بدانیم

● دولت که امداد دارد مردمی است ناچار است آنچه را که مردم می خواهند بپذیرد

اعضای هیات حسنیت شورا های روستائی تو کمن صحرا پس از بازگشت از حضور امام خمینی، در یک مصاحبه مطبوعاتی به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند.

یکی از اعضای هیات درباره علت سفر هیات به قم گفت:

منطقه تو کمن صحرا، منطقه کشاورزی و دامداری است. خاندان منور پهلوی و امرای

ارتش زمین های حاصلخیز این منطقه را از دهقانان محلی نصب کردند، و دهناری از درآمد نکستی که از این زمینها بدست می آوردند، در منطقه خرج نکردند.

حالا وقتی به روستا های تو کمن صحرا سر می زنیم، یا فقیرترین افراد رو برو می شویم، قرائی که در منطقه ای زرخیز زندگی می کنند و هیچکدام، حتی یک وجب

قانون اساسی مورد تصویب شورای انقلاب قرار گرفته است

● قانون اساسی روز پنجشنبه برای توزیع آماده شد اما چون امام خمینی درباره بعضی از اصول قانون اساسی نظریاتی دارند، تا دریافت نظرات ایشان قانون اساسی بطور عمومی منتشر نمی شود

● ۷۵ نماینده گروه های مذهبی و غیر مذهبی قانون اساسی را بررسی می کنند

● انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی ۱۹ آذر برقرار می شود

● ۱۹ آذر شهریور کار بررسی قانون اساسی پایان می گیرد

چریک های فدایی خلق بدون مجلس موسسان قانون اساسی منشور آزادی خلق های ایران نخواهد بود

سازمان چریک های فدایی خلق نظریات خود را در مورد قانون اساسی منتشر ساخت و اعلام کرد بدون مجلس موسسان قانون اساسی منشور آزادی خلق های ایران نخواهد بود متن اطلاعیه را در شماره فردا میخوانید

قطعه نامه زنان کارآموز قضایی:

شرکت زنان در مجلس مؤسسان و تساوی حقوق زن و مرد را در قانون اساسی خواستاریم

* وزیر دادگستری که خود به بی عدالتی تن میدهد چگونه انتظار دارد دادگستری عدالت گستر باشد

* برای تحقق خواستهایمان تا ۲ تیر به وزیر دادگستری مهلت می دهیم.

صبح پنجشنبه بدعوت زنان کارآموز قضایی یک گردهمایی در دادگستری برگزار شد. در آغاز پیام زنان کارآموز قضایی خوانده شد. در این پیام آمده است: مسأله ای که موجب گردهمایی، امروز را فراهم نموده است، رفتار غیر قانونی وزیر دادگستری در برخورد با کارآموزان قضایی زن، که در ارتباط با حقوق زنان جامعه است. اقدامات وزیر دادگستری و راه ندادن زنان کارآموز به مراسم تحلیف، علاوه بر اینکه غیر قانونی است برخلاف اصول انسانی نیز می باشد. وزیر دادگستری که خود به این بی عدالتی تن می دهد،

بقیه در صفحه آخر

عکس العمل جمعیت حقوقدانان در باره اهانت به متین دفتری و ضرب و شتم عیسی بیگلو

جمعیت حقوقدانان به نخست وزیر تلگرام فرستاد هر گونه اعمال فشار و تضییقات ناروا را در حق حقوقدانان محکوم کنید

این تلگرام روز پنجشنبه از جانب جمعیت حقوقدانان ایران به آقای نخست وزیر مخابره شد:

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت انقلابی ایران.

با کمال تأسف توجه آن جناب را نسبت به اقدامات بی رویه پاهای از عناصر غیر مسئول که در مورد دو نفر از وکلای دادگستری اعمال گردیده معطوف می دارد: از تضییقاتی که در فرودگاه مهرآباد نسبت به آقای هدایت الله متین دفتری فائز رئیس کانون

و کلاه بعمل آمد و کیفیت تفتیش و رفتار، نت آمیزی که سرانجام بقیه در صفحه ما قبل آخر

تفتیش عقاید و افکار باروح انقلاب مغایرت دارد

● نظام دانشگاهی باید در راه دفاع از آزادیها و مبارزه با هرگونه ارباع قدم بردارد

● استقلال دانشگاهها باید در قانون اساسی که در مجلس موسسان تدوین می شود، منظور گردد

گردهمایی سازمان ملی دانشگاهیان ایران درباره جامعه و استقلال نظام دانشگاهی عصر پنجشنبه با صدور قطعنامه ای پایان

در این قطعنامه آمده است: نظام دانشگاهی به عنوان بقیه در صفحه ما قبل آخر

کاظم معتمد نژاد

به مناسبت انتشار لایحه جدید مطبوعات و انتشار قریب الوقوع طرح قانون اساسی

آزادی مطبوعات و قانون اساسی

ممنوعیت توسل به امتیاز، سانسور و ممیزی و توقیف و تعطیل خودسرانه مطبوعات باید در قانون اساسی جدید ایران تصریح شود

انتشار پیش نویس لایحه قانون مطبوعات از طرف وزارت ارشاد ملی دولت موقت انقلاب، نگرانی های تازه ای در مورد آزادی مطبوعات و سایر مسائل ارتباط جمعی پدید آورده است. ارائه چنین لایحه ای به وسیله دولت مهندس بازرگان که دو چهار ماه اخیر شیوه آزادی منشانه ای در برابر مطبوعات نشان داده است و وزیر ارشاد ملی آن، همین چند هفته پیش در حالی که هنوز عنوان «وزیر اطلاعات و تبلیغات» را دارا بوده، از اعتقاد به «آزادی بی حد و حصر مطبوعات» سخن می گفت، شکفت انگیز بنظر می رسد. هر چند، به دنبال فشارهای گوناگونی که از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب، به وسیله گروه های غیر مسئول علیه روزنامه ها بر راه افتاد، فضای پرتراوت «بهار آزادی» به ارباب و اختناق کشیده شد و در پی الشای غیر مستقیم طرح متمدنی قانون اساسی جدید، که در ماده ۳۰ آن موارد چندگانه سانسور پیش بینی شده بود، به تدریج امیدهایی که در آستانه پیروزی مبارزات بر شکوه مردم ایران علیه دیکتاتوری مزدور و ضد مردمی پهلوی در زمینه آزادی مطبوعات پدید آمده بود، رو به یاس گذاشت. اما انتظار نمی رفت که دولت متبعت از انقلاب، بدون توجه به شور و هیجان آزادی خواهانه عصر انقلاب که پس از پایان استیلای بیست و پنج ساله یکی از خشن ترین نظام های ارباب انگیز و اختناق آمیز تاریخ معاصر، سبب انتشار بیش از یکصد روزنامه و مجله جدید و گسترش آگاهی های سیاسی و اجتماعی و شکوفائی نیروهای انقلابی در جهت بارور شدن تحولات بنیادی جامعه ایران گردیده است ناگهان با ارائه لایحه ای استبداد مآب، نشر آزادی مطبوعات را با امتیاز مهندس سازد و با عدم اعتنا به تاریخ سیصدساله رشد آزادی عقیده و بیان در جهان و به فراموشی سپردن دست آوردهای هفتاد و چندساله انقلاب مشروطیت ایران در مورد آزادی مطبوعات، با شیوه ای حتی خشن تر از رویه قانون پردازی فرمایشی دوران دیکتاتوری رضاخان و تنها به سبک قانون سازی دست نشانده گالی چون قوام السلطنه و حسین علاء و در ادامه تلاش های بی ثمر مزدورانی چون هویدا و آموزگار و هرهرف امامی، به اصل احترام آزادی مطبوعات لطمه وارد کند و آرزوهای همزمان گذشته و مدافعان کنونی خود را به سراب مهمل نماید.

برای آزادی مطبوعات، از لحاظ حقوقی می توان دو تعریف عام و خاص در نظر گرفت. آزادی مطبوعات به معنای اهم، «جست و جو، جمع آوری و دریافت آزادانه اخبار، انتقال آزادانه اخبار، انتشار آزادانه روزنامه ها، بخش آزادانه برنامه های رادیو تلویزیونی و بیان آزادانه افکار و عقاید» را دربر می گیرد و به طور خاص، «نشر آزاد روزنامه ها، بدون هیچ گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار و عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار و پیش بینی ضوابط مسئولیت های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه های عادی با حضور هیات منصفه» را شامل می شود که با رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آنها در برابر صاحبان زور و زور تحکیم می گردد.

بدین گونه، آزادی کامل انتشار مطبوعات بدون کسب امتیاز، سانسور نکردن روزنامه ها و مجله ها، عدم توقیف و تعطیل خودکامه نشریات و پیش بینی معیارهای قانونی مسئولیت ها و رسیدگی به تخلفات آنها با حضور هیات منصفه از ارکان اصلی آزادی مطبوعات می باشند و هر قانون و هر رویه ای که به تبعیت از شیوه های پیش گیرانه نظام های استبدادی قدیم یا نظام های دیکتاتوری جدید، دریافت امتیاز یا اجازه انتشار روزنامه ها و مجله ها را الزامی سازد و سانسور و ممیزی و کنترل مددرجات مطبوعات را پیش از انتشار آنها امکان پذیر نماید و توقیف و تعطیل خودکامه نشریات و توقیف و تنبیه غیر اصولی روزنامه نگاران را تسهیل کند، با اصل آزادی مطبوعات مغایرت دارد و از تحقق آرمان های دموکراتیک، که شرط اصلی آن آزادی عقیده و بیان در جهت گسترش آگاهی های سیاسی و ایجاد زمینه مساعد برای مشارکت عمومی در زندگی سیاسی و تامین برابری های اقتصادی و اجتماعی است، جلوگیری می کند.

۱- آزادی انتشار مطبوعات و ممنوعیت توسل به امتیاز

اصل آزادی مطبوعات، بیش از دو قرن پس از اختراع چاپ و در حدود یک قرن بعد از انتشار نخستین روزنامه های چاپی جهان در ممالک غرب، به دنبال مبارزات طولانی بورژوازی آزادی طلب اروپا و آمریکا، ابتدا در انگلستان و سپس به طور وسیع تر و کامل تر، در فرانسه و ایالات متحده آمریکا برسمت شناخته شد و در طول قرن های نوزدهم و بیستم، به تدریج در اکثر کشورهای دنیا پذیرفته گردید. تا جایی که پس از گسترش اندیشه سوسیالیسم و ایجاد نخستین ممالک سوسیالیستی، با آنکه برداشت و استنباط نظام آزادی گرای سرمایه داری و نظام برابری گرای سوسیالیستی در باره آزادی ها متفاوت است، در قوانین اساسی کشورهای اخیر نیز آزادی مطبوعات مانند سایر مظاهر آزادی عقیده و بیان، پیش بینی گردید. در سیر تاریخی آزادی مطبوعات، اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر ۱۷۸۹ فرانسه که در ماده ۱۱ خود انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید را یکی از گرانمایه ترین حقوق انسانی می داند و آزادی گفتار و نگارش و چاپ را برای هر فرد برسمیت می شناسد و نخستین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۷۹۱ که کنسره این کشور را از وضع هر قانون محدود کننده تا آزادی بیان یا مطبوعات ممنوع می کند، اهمیت خاص دارد. البته نباید فراموش کرد که در فرانسه به سبب عدم پیروزی سریع اندیشه های انقلابی و روی کار آمدن دیکتاتوری نظامی و احیاء شیوه های استبدادی سلطنتی، تحقق آزادی مطبوعات در حدود یک قرن بتعویق افتاد و پس از مبارزات بی گیر و بی امان آزادبخواهان و به ویژه روزنامه نگاران، قانون مطبوعات سال ۱۸۸۱ که به «منشور آزادی مطبوعات» موسوم است و اکنون هم در فرانسه اجرا می شود، این هدف را تأمین نمود. ادامه دارد

اشتباه دیکتاتور را تکرار نکنید

بچه از صفحه ۹

و در دومی، باز مردمان نمایندگان را از میان خود برمیگزینند، اما با چندین شرط:

- ۱- محدود بودن افراد به ۴۰ تا ۶۰ یا ۷۰ نفر (برحسب هر پانصد هزار نفر جمعیت یک نماینده).
- ۲- انتخاب شونده گان، باید، بر تخصص در زمینه های روانشناسی، آموزشی، جامعه شناسی، حقوق قضایی، باید احاطه کامل بر اسلام شناسی داشته باشند.
- ۳- باید اعتقاد کامل به داشته باشند که اسلام، به تمام مسائل و مشکلات زمان حاضر و زمان آینده، جواب قاطع می دهد. و تا امروز صادقانه در همین راه قدم زده باشند و از آنها نوشته یا اظهار نظری خلاف این اصل منتشر نشده باشد.
- ۴- کسانی که خالص کارشناس حقوق و حقوق دانند، ولی اسلام را بطور ناقص می دانند در میان انتخاب شونده گان جای نمی گیرند.

و این نمایندگان منتخب ظرف یک ماه متن قانونی را که در پاریس تهیه شده است و روحانیان صاحب نظر و فتوی آنها خوانده اند و نظر داده اند، و نظرات مردم نیز که به ستاد تدوین قانون اساسی رسیده، بررسی و مطالعه میکنند، و بعد آنها برای «شورای انقلاب» می فرستند. و شورای انقلاب هم در آخرین مرحله پارس از بررسی مجدد آنها به فرزند می سپارد. همانطور که جمهوری اسلامی را به فرزند گذاشت.

می بینید فاصله چه اندازه است؟

آقای بهشتی، بر مجلس مؤسسان که مورد تأیید قرارش داده دو ایراد داشت:

۱- مجلس مؤسسان از جمعیتی بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ نفر تشکیل می شود، که مورد اعتماد مردم هستند اما همه غیره و آگاه نیستند. و آدمهای نا آگاه و غیر متخصص در رأی با آگاهان برابرند، و در نتیجه تعداد آگاهان که کمتر است باعث می شود نظر نا آگاهان در قانون اساسی بچربد!

۲- تعداد زیاد نمایندگان باعث می شود که کار تدوین قانون اساسی تا یکسال و حتی دو سال طول بکشد، و از طرفی چون آدمها زیادند و هر کس یک پیشنهاد می دهد، مواد و اصول قانون اساسی، از سلامت و روانی برخوردار نخواهد بود!

بیان سقراطی آقای بهشتی، شاید بتواند مردمی را که نمی دانند حقوق اساسی چیست و قانون اساسی چرا تدوین می شود، و حق فرد، یا انسان تنها کدام است و حق اجتماع، یا انسان انبوه کدام، شاید آسان دچار غفلت کند،

ولی اگر کسی کوچکترین آگاهی در زمینه حقوق فرد و برتر از آن حق برخوردار از این حقوق داشته باشد آنوقت، از طرح مورد دفاع آقای بهشتی دچار حیرت می شود و در اسالت منطبق سقراطی ایشان شك می کند.

او تازه متوجه می شود که چه چیز را دارند «چهار میخ» یا «شش میخ» می کنند. او تازه می فهمد که آقایان قصد دارند جای یک مجلس مؤسسان، که از هر شرط خالی است و فقط اعتماد و انتخاب مردم در آن دخیل است، یک مجلس مشورتی یا مجلس «خبرگان» درست کنند که فقط کسانی که تا امروز طرف مشورت بررسی طرح تهیه شده در پاریس بوده اند، و از میان آنان نیز، کسانی که نقطه نظرهای تأیید و تشویق داشته اند، به آن راه یابند.

در چنین مجلسی، بنا بر اظهارات آقای بهشتی، نه تنها حقوق دانان جوان و آگاهان دانشگاهی، و صاحب نظران سیاسی و اجتماعی ما، راه ندارند، بلکه مردانی از نوع دکتر سنجابی، دکتر شایگان و حسن نژیهم، در مجلس خبرگان را بر روی خویش بسته خواهند یافت.

محصول چنین مجلس بسته و محدودی، که در آن حق تعیین سرنوشت تمام مردم ایران به دست برگزیدگان معلوم سپرده شده با وجود مدت یک ماه که به آن مهلت داده اند، از پیش معلوم است و تکلیف مردم نیز.

آنچه از چنین مجلسی و از فرزند بعد از آن نصیب مردم ایران می شود استیلای یک الیگارش منتهی است. که امتیازها همه نزد یک قشر معین جمع است، و تمام مردم، عوامل اجرایی این الیگارش منتهی به حساب خواهند آمد.

نه، این درست نیست که می خواهند دریا را در یک دیزی سنگی بگنجانند. مجلس هبرگان آقایان، چیزی جز یک دیزی سنگی نیست.

همانطور که اسلام شناسی در انحصار آقای بهشتی نیست، قانون اساسی هم در انحصار ایشان نیاید بماند. قانون اساسی برای مردمانی که در غلاء، در آسمان و به حالت اثیری زندگی می کنند، مدون نمی شود. قانون اساسی بیان حقوق و وضع نظام اجتماعی و حکومتی برای مردم زنده است. همین مردم، که در شهرها و روستاها زندگی می کنند، و باید از همین مردم نیز الهام بگیرد. همین مردم که به نظر آقای بهشتی، اسلام شناسی شان ناقص است. یا آقای بهشتی تصور خطلی در ایمان مذهبی آنان دارند، و جامعه آنها را مردمان متقی و قابل اعتماد می شناسد، و آنها نیز خود را مسلمان می دانند. کار قانون اساسی، اگر با این جنود و تمصب در عمل که پاره ای از آقایان نشان می دهند، پیش برود و حقوق مسلم فردی و اجتماعی مردم ایران در آن تحت الشعاع سکتاریسم و دکماتیس واقع شود، تمام زحمتی که آقایان کشیده اند، و ملت ایران، و تمام خسران و زیانی که به ایران

وارد آمده است، راه صاف کن یک توفان دیگر خواهد بود که چهره اش ناپیدا است.

آقایان! اگر اندکی از ایمان انقلابی زمان سرکوب شاه مطرود هنوز باقی است، هشاری نشان دهید، جامعه را به عقب برانید. خودتان را با زمان هماهنگ کنید. و فرصت دهید تا همه مردم، نقش فعال در پی ریزی جامعه آینده داشته باشند. مردم خوبند، و می توانند شالی از عقده های گوناگون، برادروار با هم زندگی کنند. این خوبی را، در ایام انقلاب و اعتصاب کشف کردند، در عمل و در برخورد با مشکلات و مصیبت ها، و هنوز هم چیزی از آن باقی است. خوبی مردم را از آنها نگیرید و آنها را به جان هم نیندازید. تاریخ به زمان شما محدود نمی ماند و زمان اهل توقف نیست. اشتباه تمام صاحب قدرتان پیش را، بیهاد آورید و آنرا تکرار نکنید.

آگهی مزایده

امتیاز یک دستگاه تلفن شماره ۵۲۹۲۸۱ متعلق به آقای احمد کربلائی جیب بدهکار پرونده های اجرایی کلاس های ج- چک ۸۸ و غیره که طبق نظر ارزیاب با ودیعه مبلغ یکصد و بیست هزار ریال ارزیابی شده و در قبال طلب آقای میرداد فتاحی و حقوق دولتی پرونده اجرایی بارداخت گردیده در روز دوشنبه مورخ ۵۸/۳/۲۵ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در دایره چک اجرای ثبت تهران از طریق مزایده بفروش میرسد و مزایده از مبلغ یکصد و بیست هزار ریال شروع و بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد حق حراج بعهده خریدار است. م الف ۲۹۰۵

تاریخ انتشار آگهی نوبت اول ۵۸/۳/۲۶

تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم ۵۸/۳/۲۷

تاریخ انتشار آگهی نوبت سوم ۵۸/۳/۲۹

دلیس دایره چک اجرای ثبت تهران - زهرا بجی

پیغام امروز
مدیر مسئول - رضا مرزبان
زیر نظر شورای نویسندگان

ناشر: پیغام نو
نشانی پستی تهران صندوق
شماره ۲۱۵۲۶۶۷

آزادی، شعار نیست، هوایی است که تنفس می کنیم

مصاحبه نیوزویک با قذافی

قذافی: «امریکا هنوز در دوران

بهبان برای دخالت نظامی در نیکاراگوئه

ماقبل قرون وسطی به سر می برد»

مفسر قذافی رئیس دولت لیبی اخیراً در مصاحبه‌ای با مجله نیوزویک گفته است در صورتیکه آمریکا از تحویل هواپیماهایی که لیبی فروخته شده‌اند، امتناع نکند، دولت لیبی نیز صدور نفت از کشور را به ایالات متحده تعلیق خواهد کرد.

قذافی گفت «اگر آمریکا ما را بایکوت کند، ما نیز این حق را برای خود قائل می‌شویم که نسبت به عمل متقابل بزنیم».

مقامات آمریکایی می‌گویند آنچه که لیبی ممکن است از هواپیماهای خریداری شده برای مقاصد نظامی استفاده کند، باید در تحویل این هواپیماها تجدیدنظر شود.

خلاصه‌ای از مصاحبه نیوزویک با قذافی در زیر خواهد آمد:

س- ایران پس از انقلاب روزانه ۱۰ میلیون بشکه از صادرات نفت خود کاسته است، نیجریه نیز بایکوت کرده در صورتیکه آمریکا دولت جدید رودزیا را برسمیت نشاند، صدور نفت را به ایالات متحده قطع خواهد کرد. آیا ممکن است لیبی هم برای رسیدن به هدفهای سیاسی به اقدام مشابهی دست بزند؟

قذافی - اگر آمریکا ما را بایکوت کند، مسلماً ما هم بیک عمل مشابهی نشان خواهیم داد.

س- منظور شماست هواپیماهای ۱۳۰ و سه هواپیماهای بوئینگ ۷۳۷ هستند؟

ج- منظوری هم چیز است و ما در دیگر راه هم شامل می‌شویم. آن هواپیماها متعلق به ما هستند چون پولشان را پرداخته‌ایم.

س- چه وقت جریان نفت را به آمریکا قطع خواهید کرد؟

ج- از واکنشگن متوال کنید. س- من از شما می‌پرسم.

ج- مشکل بتوان دقیقاً زمان آن را مشخص کرد. ولی بشما می‌گویم که مهلت شما سرعت دارد به پایان می‌رسد.

س- بنظر شما پس از مسقریابی کنگره (برادر رئیس جمهور) به لیبی و مسافرت یک هشت لیبیایی به آمریکا، روابط شما با دولت آمریکا بهبود یافته است؟

ج- روابط بهبود چندانی پیدا نکرده است. این اصطلاح کنگره شما اصولاً نمی‌داند در جهان چه می‌گذرد.

س- ما پس از آنکه در رابطه با لیبی به تأثیر کنگره بر موضعگیری دولت آمریکا می‌بریم، به این نتیجه رسیده‌ایم. کنگره آمریکا در ناآگاهی بسر می‌برد. عناصر شخصی حقایق را تحریف میکنند، وزارت خارجه نیز درباره لیبی با کنگره موافق نیست. اما وقتی کنگره ده درصد واردات نفت کشورتان را که از لیبی می‌رسد از دست بدهید، دیگر خلی دیر خواهد بود. هشت نمایندگان لیبی پس از بازگشت از کشور شما نظر کاملاً متفاوتی نسبت به مردم آمریکا پیدا کرده است. رفتار آنها با رفتار کنگره بسیار متفاوت است. بنابراین اگر رفتار کنگره لیبی با سیاست کارتر فرق می‌کند و برخورد مردم آمریکا هم با سیاست کنگره تفاوت دارد، آیا مردم آمریکا گفت این کنگره نماینده مردم آمریکا است؟

س- شما و دیگر تولیدکنندگان نفت تقریباً هر هفته قیمت ها را افزایش می‌دهید، فکر نمی‌کنید بالاخره دنیای غرب عکس‌العمل نشان خواهد داد.

ج- کشورهای غربی مسئول افزایش قیمت نفت هستند. همچنین کمپانی های نفتی. برای ما احتمالاً بهتر خواهد بود اگر تولید نفت را بکلی متوقف کنیم. این کار همه مسایل مربوط به تولید کنندگان و مصرف کنندگان را حل خواهد کرد و دیگر نفتی وجود نخواهد داشت تا ایجاد دشواری کند. ما می‌توانیم نفت را بمدت عمر یک سال زیر خاک نگاه داریم. در حال ما کشور عقب مانده‌ای هستیم. در ده سال گذشته رشد ما بسیار زیاد بوده است. اما ما می‌توانیم از طریق کشاورزی و ماهیگیری و دامداری زندگی کنیم. ما می‌توانیم نفتمان را به مصرف داخلی خودمان برسانیم. ما هیچ الزامی برای صدور آن نداریم. و وقتی این اتفاق بیفتد، این مصاحبه را به یاد داشته باشید. شما می‌توانید تکنولوژی و مشکلات و فساد خود را داشته‌باشید و ما هم نفتمان را خواهیم داشت.

س- چرا شما همچنان به خرید های نفت از اسلحه‌های شوروی ادامه می‌دهید؟ اگر بمقیاس جمعیت لیبی حساب کنیم، شما هم اکنون از شاه ایران هم بیشتر اسلحه خریداری می‌کنید. جمعیت لیبی فقط ۲۵ میلیون نفر است در حالیکه شما از نیروی هوایی انگلستان هم هواپیماهای جنگی بیشتری دارید.

ج- و این هنوز کافی نیست. با توجه به آنچه ما برای مسلح ساختن خود احتیاج داریم، این هنوز نا کافی است. ما باید از کشور بزرگی دفاع کنیم. بخصوص در شرایطی که می‌خواهیم ارتش را ملفی ساخته و در عوض همه مردم را مسلح کنیم. س- شما هم مانند کوبا ویتنام تحت عنوان همبستگی سوسیالیستی مقدار زیادی از این اسلحه‌ها را در خارج از لیبی بکار می‌برید. آیا این کار با غیر متعهد بودن منافات ندارد؟

ج- ما هیچ اسلحه‌ای را در خارج از لیبی بکار نمی‌بریم.

س- پس درباره فرستادن سربازان و افراد لیبیایی به اوگاندا برای کمک به آیدی‌مین چه می‌گویید؟

ج- ما در اوگاندا یک هیئت تعلیماتی داشتیم و برای آمین مقداری اسلحه فرستادیم تا از پایتختش دفاع کند.

س- همچنین به او بعضی وسایل ابتدایی مانند کامیون، اتومبیل و سوخت داده‌ایم. بقیه هیئت اعزامی لیبیایی را افراد غیر نظامی و معلمین تشکیل می‌دادند.

س- تقریباً سه هزار سرباز لیبیایی به اوگاندا فرستاده شده‌اند تا رژیم آمین را نجات دهند، ولی بلافاصله قبل از سقوط کامبالا آنها از اوگاندا خارج شدند.

س- نیروهای تانزانایی ۴۵ نظامی لیبیایی را دستگیر کرده‌اند. ج- این درست نیست. آیدی آمین هم هواپیماهای سی - ۱۳۰ داشت.

س- اما یکی از این هواپیماها مارک لیبی را داشت. شما هشت

فروند از این هواپیماها داشتید و اکنون هفت تای آنها در لیبی باقی مانده است.

ج- ما به نیروهای آمین هواپیماهای باربری داده‌ایم.

س- شکست نیروهای لیبی و اوگاندا را چگونه توجیه می‌کنید؟

ج- تانزانیا همه ارتش خود را وارد جنگ کرد. و ارتش آمین هم بهر حال چندان تعریفی نداشت. آنها فقط سلاحهای سبک داشتند. س- ولی شما از طریق کنیا برای آنها اسلحه سنگین و تجهیزات فرستادید.

ج- کنیا از رسیدن تجهیزات نظامی به اوگاندا جلوگیری کرد و فقط وسایل غیر نظامی را به آن کشور رساند.

س- اصولاً چرا به آمین کمک کردید؟

ج- چرا نه؟

س- چون او انقلابی نبود، بلکه یک دیکتاتور، و پس از یلپت (در کاموج)، دومین سیاستمدار بدنام دنیا بود.

ج- به کشور او حمله شده بود و آمین هم مردی که در غرب تصویرش را ساخته‌اید نیست. او صلح بین المللی را تهدید نمی‌کرد و به اعمال خرابکارانه‌ای از قبیل آنچه که اسرائیل به کمک آمریکا انجام می‌دهد، دست نمی‌زد.

س- اما چرا باید به شخصی که دهها هزار نفر از اهالی کشور خودش را قتل‌عام کرده، کمک کنید؟

ج- این به ما ارتباطی ندارد. فقط آمین نبود که این کار را می‌کرد. در همه جای دنیا مردم الجزایر، موریتانی به توافق هایی رسیده‌اند که استقلال صحرائ غربی را دربر نمی‌گیرد. نظر شما چیست؟

ج- اطلاعات شما قادرست است. مسئله عبارتست از استقلال صحرا و یا هیچ چیز. او را باید مردم صحرا یا دولت مراکش حل کنند. و در صورتیکه موریتانی رفتارشان را عوض نکنند، حبه بولیساریو آتش بس خود را با آن کشور خواهد شکست.

چيست؟ آیا کوبا و ویتنام هم غیر متعهد هستند؟

ج- کشوری که عضو یکی از دو پیمان «ناکو» یا «ورشو» نباشد، غیر متعهد است. کوبا و ویتنام غیر متعهد هستند.

س- انگیزه این گفته شما که ممکن است به پیمان «ورشو» بپیوندید و «بگذارید» بقیه دنیا به جهنم برود، چه بود؟

ج- وقتی آمریکا منافع را را تهدید می‌کند و از طریق کف انس کمپ دیوید به مردم فلسطین خیانت می‌کند و هواپیماهایی را که خریده‌ایم به ما تحویل نمی‌دهد، دیگر ما چه می‌توانیم بکنیم. روابط کارتر و سادات و بکین امنیت و بقای ما را تهدید می‌کند. و بهمن دلیل این مسئله مطرح شده است که کشته‌های مترقی عرب به پیمان «ورشو» ملحق شوند و در شبه جزیره عربستان، شمال افریقا با نگاه های موشکی اتمی مستقر سازند.

س- لیبی تاکنون چه امتیازاتی در اختیار شوروی گذاشته است؟

ج- تاکنون هیچ امتیازی داده نشده. حتی کشتی‌های شوروی در آبهای لیبی سوختگیری نمی‌کنند.

س- شما بکر از نخستین حامیان انقلاب آیت‌الله خمینی عده‌شده بودید. چرا اکنون نظراتان را درباره خمینی عوض کرده‌اید؟

ج- البته در این باره ابهاماتی وجود دارد، ولی من هنوز معتقدم ایرانی‌ها در مسیر صحیحی هستند. آنها سر نوشت خود را تعیین خواهند کرد.

س- لیبی و الجزایر از مبارزه حبه بولیساریو علیه مراکش دفاع کرده‌اند ولی اکنون مراکش و الجزایر موریتانی به توافق هایی رسیده‌اند که استقلال صحرائ غربی را دربر نمی‌گیرد. نظر شما چیست؟

ج- اطلاعات شما قادرست است. مسئله عبارتست از استقلال صحرا و یا هیچ چیز. او را باید مردم صحرا یا دولت مراکش حل کنند. و در صورتیکه موریتانی رفتارشان را عوض نکنند، حبه بولیساریو آتش بس خود را با آن کشور خواهد شکست.

در حالیکه نبردهای شدید در سراسر نیکاراگوئه ادامه دارد مقامات دولت آمریکا اعلام کردند عده زیادی از اتباع آن کشور در نیکاراگوئه بدام افتاده‌اند و نمی‌توانند خود را به فرودگاهها برسانند. سفارت آمریکا در ماناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، در تیررس نیروهای انقلابی قرار گرفته و حدود ۱۰۰ نفر نظامی و غیر نظامی در آن سنگر گرفته‌اند. در واشنگتن گفته می‌شود تعداد آمریکایی‌هایی که در نیکاراگوئه هستند به ۳۰۰ نفر می‌رسد. ظاهراً آمریکا با عنوان کردن مسئله «بدام افتادن اتباع آمریکایی» قصد دارد افکار عمومی را برای پذیرش دخالت نظامی ایالات متحد برای کمک به رژیم ساموزا آماده سازد.

از سوی دیگر چریکهای ساندینیست در شهرهای لئون، استلی، ماتاگالپا و ماناگوا

نیروهای گاردمیلی را بشدت زیر آتش گرفته‌اند و در پایتخت کشور خیابان به خیابان پیشروی میکنند. ژنرال ساموزا به خبرنگاران گفته است استراتژی عبارتست از ادامه نبرد تا جایی که مهمات انقلابیون تمام شود و آنها مجبور به عقب نشینی شوند. او گفت نیکاراگوئه قربانی یک تجاوز بین المللی شده است و دولت‌های خارجی می‌خواهند رژیم وی را سرنگون کنند و همچنین گفته دولتهای کوستاریکا پاناما و ونزوئلا از چریکهای ساندینیست حمایت می‌کنند.

روز گذشته وزرای خارجه ونزوئلا و اکوادور به کستاریکا رفتند تا حمایت خود را از آن کشور در مقابل تجاوز احتمالی رژیم ساموزا، اعلام کنند. آنها همچنین قرار است با ژنرال ساموزا ملاقات کنند تا شاید بتوانند طرفین جنگ داخلی نیکاراگوئه را به پای میز مذاکره بکشانند.

خبرهای فشرده

● مکزیک - شاه سابق ایران روز دوشنبه گذشته وارد مکزیک شد. هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا از محمد رضا پهلوی و اعضای خانواده او استقبال کرد. کیسینجر و راکفلر، سرمایه‌دار بدنام آمریکایی، مدت‌هاست زمینه را برای ورود شاه به مکزیک آماده کرده‌اند. کیسینجر، که با امتناع دولت آمریکا از پذیرفتن شاه مخلوع بشدت مخالف است، موفق شد «لوپز پورتیو» رئیس جمهور مکزیک را قانع کند شاه را در آن کشور بپذیرد. دولت مکزیک در مقابل اعتراض دولت ایران مبنی بر ورود شاه به آن کشور اعلام کرد: «ما به هیچ دولت یا کشوری اجازه نمی‌دهیم خط مشی سیاسی‌مان را به مادیکت کنند.»

● ایرلند - دو سرباز انگلیسی بجرم شرکت در قتل دو کشاورز ایرلندی دستگیر شدند. سخنگوی پلیس ایرلند شمالی اعلام کرد یک سرباز انگلیسی دیگر در رابطه با همین واقعه در لندن توقیف شده و برای بازپرسی به پلنفاست فرستاده خواهد شد.

● گواتمالا - هفته گذشته مردان مسلح ناشناس فرمانده کل ارتش گواتمالا را بقتل رساندند. ژنرال «خوزه کاسینوس»، راننده و محافظ وی، که در اتومبیل خود در حال عبور از مقابل یک پمپ بنزین بودند مورد حمله سرنشینان دو اتومبیل دیگر قرار گرفتند و همگی کشته شدند. ضاربین بلافاصله گریختند و اثری از آنان بجا نماند.

● موزامبیک - رابرت موزامبیک رهبر یکی از دو جناح «جبهه میهن پرستان» رودزیا گفت هرگونه همکاری با رژیم جدید رودزیا از نظر وی محکوم است. موزامبیک گفت رژیم جدید رودزیا همان دولت سابق است که صرفاً عده‌ای سپاه پست را برای فریب افکار عمومی وارد دولت کرده. وی اسقف «موزوروا»، نخست وزیر سپاه پست رودزیا، را یک «جناایتکار» نامید و گفت نیروهای تحت فرماندهی وی حدود یک سوم رودزیا را آزاد کرده‌اند و در دیگر نواحی کشور نیز نفوذ قابل توجهی بدست آورده‌اند.

● آمریکا - در کنفرانسی که قرار است با شرکت نمایندگان هفت کشور بزرگ سرمایه‌داری در سوکیو تشکیل شود، دولت آمریکا سعی خواهد کرد متحدین غربی خود را اادار سازد. پیشنهادات آن کشور را بپذیرند. پیشنهادات آمریکا با مسئله انرژی، خرید نفت از «اپک»، تقسیم بازارهای داخلی کشورهای سرمایه‌داری و بحران اقتصادی آمریکا مربوط می‌شود. مقامات آمریکایی در این رابطه گفته‌اند: «آنها (اروپا و ژاپن) باید بفهمند که در نظر ما منافع ایالات متحد بسیار مهم‌تر از منافع آنهاست.»

اتیوپی و اخیراً ایران روی کشور های غیر متعهد، و به ویژه دوستان نزدیک آمریکا مثل عربستان سعودی و دیگر دولتهای منطقه خلیج فارس و انعکاس نامساعد آن در سیاست استراتژیک ایالات متحده باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. هیچ گفت ما اکنون باید وقایع ویتنام را کنار بگذاریم و توجه‌مان را به تدوین یک استراتژی جهانی، که قادر به حفظ منافع ایالات متحده باشد، متمرکز نماییم ایالات متحده

زمانی سیاست رسیدن به صلح خاورمیانه را آغاز نمود که نیروی سنجانبه و مشترک مصر، ایران و اسرائیل شکل دیگری داشت. اکنون ایران وضع دیگری دارد، از ایشرو بر آورد نیروها در خاورمیانه همانی نیست که ما قبلاً با آن روبرو بودیم. از جانب دیگر دوستان هیگه در داخل آمریکا فعالیت‌های راجحت ایجاد زمینه مساعد برای ورود او به صحنه سیاست ندارد دیده‌اند.

س- شما بکر از نخستین حامیان انقلاب آیت‌الله خمینی عده‌شده بودید. چرا اکنون نظراتان را درباره خمینی عوض کرده‌اید؟

ج- البته در این باره ابهاماتی وجود دارد، ولی من هنوز معتقدم ایرانی‌ها در مسیر صحیحی هستند. آنها سر نوشت خود را تعیین خواهند کرد.

س- لیبی و الجزایر از مبارزه حبه بولیساریو علیه مراکش دفاع کرده‌اند ولی اکنون مراکش و الجزایر موریتانی به توافق هایی رسیده‌اند که استقلال صحرائ غربی را دربر نمی‌گیرد. نظر شما چیست؟

ج- اطلاعات شما قادرست است. مسئله عبارتست از استقلال صحرا و یا هیچ چیز. او را باید مردم صحرا یا دولت مراکش حل کنند. و در صورتیکه موریتانی رفتارشان را عوض نکنند، حبه بولیساریو آتش بس خود را با آن کشور خواهد شکست.

س- لیبی و الجزایر از مبارزه حبه بولیساریو علیه مراکش دفاع کرده‌اند ولی اکنون مراکش و الجزایر موریتانی به توافق هایی رسیده‌اند که استقلال صحرائ غربی را دربر نمی‌گیرد. نظر شما چیست؟

ج- اطلاعات شما قادرست است. مسئله عبارتست از استقلال صحرا و یا هیچ چیز. او را باید مردم صحرا یا دولت مراکش حل کنند. و در صورتیکه موریتانی رفتارشان را عوض نکنند، حبه بولیساریو آتش بس خود را با آن کشور خواهد شکست.

س- لیبی و الجزایر از مبارزه حبه بولیساریو علیه مراکش دفاع کرده‌اند ولی اکنون مراکش و الجزایر موریتانی به توافق هایی رسیده‌اند که استقلال صحرائ غربی را دربر نمی‌گیرد. نظر شما چیست؟

ج- اطلاعات شما قادرست است. مسئله عبارتست از استقلال صحرا و یا هیچ چیز. او را باید مردم صحرا یا دولت مراکش حل کنند. و در صورتیکه موریتانی رفتارشان را عوض نکنند، حبه بولیساریو آتش بس خود را با آن کشور خواهد شکست.

ژنرال هیگ، نگران خاورمیانه است

آلکساندر هیگ، فرمانده کل پیمان نظامی اتلانتیک (ناکو) اوایل ماه آینده از سمت خود کناره‌گیری میکند. شواهد موجود نشان می‌دهد که هیگ بزودی وارد صحنه سیاسی ایالات متحده خواهد شد و با احتمالی سمت معاون رئیس جمهور آغاز بکار خواهد نمود. هفته قبل آلکساندر هیگ طی مصاحبه‌ای با خبرنگار نیوزویک نسبت به چند مسئله مهم سیاست خارجی ایالات متحده نگرانی خود را آشکارا اظهار داشت. به عقیده او آثار درگرونیهای چند ساله اخیر در آنگولا، موزامبیک و

س- آیا بنظر شما سیاست خارجی لیبی و شوروی بیش از پیش به یکدیگر نزدیک نمی‌شوند؟

ج- شوروی فقط یک دوست لیبی است. روابط ما بر بنسای دوستی و تفاهم عالی پایه‌ریزی شده است. ما در موارد مشخصی هم عقیده هستیم. مثلاً در مورد «تفنج زادی» و امنیت اروپا و مبارزه با امپریالیزم.

س- در مورد مبارزه با امپریالیزم شوروی چگونه؟

ج- برخورد شوروی به لیبی نشان می‌دهد این کشور هنوز در حال مبارزه با امپریالیزم است. س- تعریف شما از «عدم تعهد»

س- آیا بنظر شما سیاست خارجی لیبی و شوروی بیش از پیش به یکدیگر نزدیک نمی‌شوند؟

ج- شوروی فقط یک دوست لیبی است. روابط ما بر بنسای دوستی و تفاهم عالی پایه‌ریزی شده است. ما در موارد مشخصی هم عقیده هستیم. مثلاً در مورد «تفنج زادی» و امنیت اروپا و مبارزه با امپریالیزم.

س- در مورد مبارزه با امپریالیزم شوروی چگونه؟

ج- برخورد شوروی به لیبی نشان می‌دهد این کشور هنوز در حال مبارزه با امپریالیزم است. س- تعریف شما از «عدم تعهد»

س- آیا بنظر شما سیاست خارجی لیبی و شوروی بیش از پیش به یکدیگر نزدیک نمی‌شوند؟

ج- شوروی فقط یک دوست لیبی است. روابط ما بر بنسای دوستی و تفاهم عالی پایه‌ریزی شده است. ما در موارد مشخصی هم عقیده هستیم. مثلاً در مورد «تفنج زادی» و امنیت اروپا و مبارزه با امپریالیزم.

س- در مورد مبارزه با امپریالیزم شوروی چگونه؟

ج- برخورد شوروی به لیبی نشان می‌دهد این کشور هنوز در حال مبارزه با امپریالیزم است. س- تعریف شما از «عدم تعهد»

س- آیا بنظر شما سیاست خارجی لیبی و شوروی بیش از پیش به یکدیگر نزدیک نمی‌شوند؟

ج- شوروی فقط یک دوست لیبی است. روابط ما بر بنسای دوستی و تفاهم عالی پایه‌ریزی شده است. ما در موارد مشخصی هم عقیده هستیم. مثلاً در مورد «تفنج زادی» و امنیت اروپا و مبارزه با امپریالیزم.

س- در مورد مبارزه با امپریالیزم شوروی چگونه؟

ج- برخورد شوروی به لیبی نشان می‌دهد این کشور هنوز در حال مبارزه با امپریالیزم است. س- تعریف شما از «عدم تعهد»

س- آیا بنظر شما سیاست خارجی لیبی و شوروی بیش از پیش به یکدیگر نزدیک نمی‌شوند؟

ج- شوروی فقط یک دوست لیبی است. روابط ما بر بنسای دوستی و تفاهم عالی پایه‌ریزی شده است. ما در موارد مشخصی هم عقیده هستیم. مثلاً در مورد «تفنج زادی» و امنیت اروپا و مبارزه با امپریالیزم.

س- در مورد مبارزه با امپریالیزم شوروی چگونه؟

ج- برخورد شوروی به لیبی نشان می‌دهد این کشور هنوز در حال مبارزه با امپریالیزم است. س- تعریف شما از «عدم تعهد»

این مصیبت‌ها تا کی ادامه خواهد داشت

این اطلاعیه را اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران برای پیغام امروز فرستاده است که می‌خوانید:

روز جمعه ۵۸/۳/۴ گروهی از افراد «مجاهدین انقلاب اسلامی» به سرپرستی آقای «موسوی» آخوندده قاسم آباد قندی‌شاه شهریار تعدادی دختر و پسر را برای تعلیم تیراندازی به یک کیلومتری ده می‌برند. افراد مزبور که تجربه چندانی در مورد مواد منفجره نداشتند، برای اولین بار با تسلیحاتی مثل نارنجک روبرو می‌شوند. آموزش آغاز می‌گردد و آنطور که اهالی می‌گویند تیراندازی با فشنگ‌های حقیقی، در محلی بسیار خطرناک نزدیک باغ یکی از اهالی صورت می‌گیرد در حالیکه ده دارای میدان تیراست و براحتی می‌توان از این محل برای تعلیم استفاده نمود.

تعلیم تیراندازی ساعت ۱۰ شروع می‌شود و افراد ضمن بازگشت ۲ عدد نارنجک از ۵ نارنجکی را که همراه داشتند جا می‌گذارند. پس از این عملیات، تعلیمات به اتمام می‌رسد و محل خالی می‌شود. سه پسر بچه برای درس خواندن به آنجا می‌آیند و به محلی که در آنجا نارنجک‌ها فروموش شده، نزدیک می‌شوند. یکی از آنها نارنجک را بر می‌دارد و لمس میکند، در فاصله‌ای نه چندان دور ضامن آنرا می‌کشد، نارنجک در دستش منفجر می‌شود و هیکل کوچکش به فنجیح‌ترین وجهی از هم متلاشی می‌گردد.

فردی که خود شاهد این منظره بود، دوان دوان به ده می‌آید و موضوع را به کمیته اطلاع می‌دهد. مردم ده از جریان مطلع می‌شوند و همه به طرف جسد روان می‌شوند بآیدین جسد، مردم از بی‌ساختی افسردگی که بخود اجازه چنین عملی رانده بودند، افزایش می‌یابد. مضافاً اینکه در بالای جسد مأموری ایستاده بود که به صلاحیت او در مورد استفاده از اسلحه شک بود. افراد کمیته با بی‌تفاوتی شاهد مرگ یک جوان بودند.

مردم، پزشک قانونی کرج را خبر می‌کنند ولی تا ساعت ۹ شب از وی خبری نمی‌شود. بالاخره اهالی ده مجبور می‌شوند خودشان جسد را به پزشکی قانونی کرج ببرند سپس دو ساعت یک پامداد روز بعد جسد را به باز می‌گردانند و آنرا دفن می‌کنند.

«محمود کهلویی» که قربانی این جریان می‌گردد، در دبیرستان راهنمایی آشتیانی درس می‌خواند. سال اول نظری و به گفته دوستانش

شاگرد ممتاز بود. پدرش یک کشاورز زحمتکش است و بی‌شک آرزوهای زیادی برای فرزندش داشت.

اما اینگونه مصائب که ناشی از عدم صلاحیت روسای کمیته‌هاست، تا کی ادامه خواهد داشت؟ و مسئولین امر به این فنجایع که هر روز در بیشتر اقصی نقاط ایران اتفاق می‌افتد، چگونه جواب خواهند داد؟

فردای آنروز هم‌کلاسیهای محمود سوگوار بودند و جای خالی او را با دسته‌ای گل پر کردند. ما از مسئولین امر می‌خواهیم که به این وضع رسیدگی کرده و عاملین آنرا بشدت مجازات کنند. «اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران» شهادت این دوست را به خانواده و دوستان محمود تسلیت می‌گوید و امیدوار است که بتواند قسمت کوچکی از غم بی‌گران خانواده محمود را به‌دوش بکشد.

مقالات

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در عین داشتن افق مشترک با روزنامه دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل با هم یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.

درباره ملی شدن بانکها طرح دولت روشن نیست

سرانجام، پس از مدت‌ها انتظار، دولت موقت انقلاب بایک اقدام قاطع و انقلابی مبادرت نمود و ملی شدن کلی بانکهای کشور را اعلام کرد. متن قانون ملی شدن بانکها که بتصویب شورای انقلاب اسلامی رسیده است، همراه با مصاحبه رئیس دولت در این مورد، منتشر گردیده و هم‌اکنون گروهی از مقامات دولتی سرگرم تدوین آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور می‌باشند.

ملی شدن بانکها، قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن از جانب گروه‌ها و طبقات مختلف مطرح گردیده و انجام آن از دولت انقلابی درخواست شده بود. اقدام کنونی دولت در این باره، هر چند پس از تردیدهای فراوان و به تأخیر صورت می‌گیرد، مورد تأیید اکثریت جامعه ایران و در شرایط موجود موجب خشنودی بسیار می‌باشد. در زمینه ضرورت ملی کردن بانکها، علل و موجبات متعددی می‌تواند عنوان شود که پرداختن به همه آنها در اینجا میسر نیست و فقط بطور کلی می‌توان اشاره نمود که کاهش وابستگی اقتصادی و مالی به خارج کنترل سرمایه‌های خصوصی از جهت سودجوییهای انحصاری و فعالیت‌های زیانبار اقتصادی همچون بورس بازی، و هدایت منابع پولی در مسیر برنامه‌های ملی توسعه اقتصادی، از جمله علت‌هایی است که ملی کردن بانکها را ایجاب کرده است. اما چنانکه از محتوای مصاحبه‌های مقامات دولتی در این زمینه برمی‌آید، صرفنظر از علل فوق، پاره‌ای الزامات و مشکلات موجود در شرایط فعلی، ملی کردن بانکها را از جانب دولت تسریع و حتی ناگزیر کرده است. صحبت از «تعمیرات و بدمی‌های کلان» بانکهای خصوصی و «احتمال ورشکستگی» آنها، چنین می‌رساند که دولت در شرایط موجود و ادار به اقدام در جهت «حفظ حقوق و سرمایه‌های ملی» و پایان دادن به «وضع ناساعدت زیان‌بار» کنونی گشته است. اگر ملی کردن بانکها در واقع تحت تأثیر شرایط موجود بواسطه الزامات مذکور - و نه بخاطر علل اساسی یادشده - صورت گرفته باشد، مسلماً دامنه نفوذ و برد این اقدام دولت نیز محدود و کوتاه خواهد بود.

چگونگی ملی کردن بانکها و وسعت دامنه آن از جانب دولت اعلام نگردیده است. بطوریکه از متن قانون و صحبت‌هایی که در حاشیه آن انجام گرفته است، برمی‌آید منظور از ملی شدن گویا نوعی «کنترل» و یا «مدیریت» دولتی بر بانکهای خصوصی می‌باشد. معنی آن نوع مالکیت و تصمیم‌گیری و تقسیم سود و غیره در بانکهای ملی شده، کاملاً مشخص نگردیده است چنانکه حتی در متن قانون از «قبول اصل مالکیت مشروع و مشروط» سخن رفته ولی سرنوشت مالکیت سهامداران کنونی بانکها معلوم نشده است. از جانب دیگر، در صحبت‌های مقامات رسمی پیرامون ملی شدن بانکها، از «مجمع عمومی صاحبان سهام بانکها» یاد می‌شود اما ترکیب این مجمع عمومی (مرکب از نمایندگان دولت و سهامداران خصوصی داخلی و یا خارجی؟ ...) و نقش آن در پرده ابهام باقی می‌ماند. اینگونه ابهامات و سئوالات دیگری از این قبیل، در موضوع ملی شدن بانکها فراوان است که فرصت طرح همه آنها نیست. اما اینک که دولت دست اندرکار تدوین آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور می‌باشد، بهتر است قبلاً طرح کلی و جامع ملی کردن بانکها را - که بدون شک تهیه دیده است - در اختیار عموم و در معرض ارزیابی کارشناسان اقتصادی قرار دهد. اگرچه اصل ملی کردن بانکها اعلام و مورد تأیید اغلب اقشار و طبقات جامعه نیز واقع شده است، ولی اینکه بانکها و سرمایه‌های مالی خصوصی تا چه اندازه ملی می‌شوند، صریحاً مشخص نگردیده است. انتشار طرح کامل ملی شدن بانکها می‌تواند اینگونه سئوالات را پاسخ گوید. به‌رحال مسلم است که برای تأمین هدفهای مورد نظر در این زمینه، بانکها بایستی بطور تام و تمام - و نه بصورت نیمه‌کاره و ناقص - ملی شوند و این چیزی است که مورد درخواست و موجب خشنودی اکثریت افراد ملت می‌باشد.

ریشه‌های تاریخی و اقتصادی امپریالیسم

(۵)

صدور سرمایه خصیصه‌ی مشخصه‌ی سرمایه‌داری نوین است که در نظام آن سیادت یا انحصار است. در نظام سرمایه‌داری ناموزونی تکامل امریست اجتناب ناپذیر، بدین معنی که تکامل مؤسسات جداگانه‌ی تولید، تکامل رشته‌های جداگانه‌ی صنعت و تکامل کشورهای جداگانه‌ی سرمایه‌داری به صورت ناموزون و جهشی انجام می‌گیرد. مثلاً انگلستان تاریخ آخر قرن نوزدهم به عنوان «کارگاه تمام جهان» شناخته می‌شد. مصنوعات این کشور به سراسر دنیا روان بود و در عوض مواد خام نقاط دیگر در جهت انگلستان حرکت می‌کرد. این موقعیت سلطه‌آمیز بر اثر ناموزونی تکامل رویه تزلزل گذاشت و وعده‌های از کشورهای با وضع مقررات «حمایت» گمرکی به دفاع از خود برخاستند و به سرعت تکامل یافته‌ی کشورهای مستقل سرمایه‌داری «پدل گردیدند». در آستانه‌ی قرن بیستم، به شکل دیگری از انحصارها بر خورد می‌کنیم که عبارتند از اولاً نهادینه‌های انحصاری سرمایه‌داران در تمام کشورهایی که نظام سرمایه‌داری در آنها تکامل یافته است ثانیاً موقعیت انحصاری معدودی از غنی‌ترین کشورها، کشورهایی که تجمع سرمایه در آنها به میزان عظیمی رسیده. بدین طریق بود که در کشورهای پیشرو پدیده‌ی نوینی به شکل انبوه بزرگ «سرمایه‌ی اضافی» بوجود آمد. بدین معنی است اگر سرمایه‌داری می‌توانست رشد کشاورزی را هم سطح با رشد صنایع به پیش ببرد، اگر سرمایه‌داری می‌توانست سطح زندگی توده‌های وسیع را هم با ترقی تکنیک ارتقاء دهد، آنوقت دیگر سخنی از «سرمایه‌ی اضافی» در میان نبود، و البته «در چنین صورتی دیگر خود سرمایه‌داری هم وجود نداشت». هدف سرمایه‌داری عبارت است از تحصیل هر چه بیشتر سود، تحصیل سود زیادتر به هر قیمتی که باشد. این روند ملازمه با فقر توده‌ها دارد زیرا یکی از راه‌های تحصیل سود بیشتر همانا کاهش بیشتر دستمزد است. یدون فقر دستمزد بگیران، دست آوردن نیروی کار ارزان غیر ممکن می‌باشد. لنین می‌گوید «مادام که سرمایه‌داری به حالت سرمایه‌داری باقی است، سرمایه‌ی اضافی به مصرف ارتقاء سطح زندگی توده‌های کشور معین نمی‌رسد (زیرا این امر موجب تزلزل سود سرمایه‌داران می‌شود) بلکه این سرمایه‌ی اضافی از طریق صدور به خارج، به کشورهای عقب مانده، در جهت بالا بردن میزان سود صرف خواهد شد».

چرا صدور سرمایه به یک امر ضروری مبدل می‌شود؟ برای آنکه «در معدودی از کشورها، سرمایه‌داری «بیش از حد فصح پیدا کرده» است و عرصه برای به کار اندازی سرمایه‌ی «سودآور» تنگ شده است». چرا صدور سرمایه رویه کشورهای عقب مانده دارد؟ برای آنکه در این کشورها شرایط برای تحصیل سود بیشتر آماده است بدین معنی که: میزان سرمایه‌گذاری کوچک است و در همان حال بهای زمین نسبتاً نازل است، سطح دستمزد پایین است، مواد خام ارزان است. به این خاطر است که آهنگ صدور سرمایه این چنان شتاب روز افزون دارد.

در فاصله‌ی پنجاه سال (۱۸۶۲-۱۹۱۴) رشد صدور سرمایه‌ی اضافی سه کشور بزرگ اروپائی عبارت بوده است از:

انگلستان از ۳/۶ میلیارد فرانک به ۷۵ تا ۱۰۰ میلیارد فرانک فرانسه از صفر به ۶۰ میلیارد فرانک آلمان از صفر به ۴۴ میلیارد فرانک

بدین طریق «انحصار پس از آنکه بوجود آمد و با میلیاردها سروکار پیدا کرد، بی‌توجه به نظام سیاسی و بدون رعایت هر گونه «خصوصیات» دیگر، با ناگزیری مطلق در تمام جوانب زندگی نفوذ می‌کند». تسلط آمیخته با ارتشاء و افساد سرمایه‌ی مالی آن چنان شدت دارد که حتی مطبوعات مزدور رانیز به اعتراض وامیدارد. در سال ۱۹۰۹ یکی از این نشریات آلمانی در مقاله‌ای تحت عنوان «کنش به سوی بانک» می‌نویسد: «آزادی اقتصادی که وسیله‌ی قانون اساسی آلمان تضمین شده است، در رشته‌های مختلفی از زندگی اقتصادی به عبارتی خالی از مضمون مبدل شده است. و با وجود تسلط پولتو-کراسی «حتی وسیع‌ترین آزادی سیاسی نیز نمی‌تواند مانع از آن گردد که ما به ملتی متشکل از افراد غیر آزاد تبدیل شویم». نویسنده می‌رسد که «کجا رفت آن افسانه‌ی مربوط به تطبیع‌ناپذیری کارمندان دولتی». و این کارمندان عالی‌رتبه‌ی دولتی همانهایی هستند که وسیله سرمایه‌ی مالی خریداری شده‌اند و «تمایل باطنی آنها متوجه کرسی‌های گرم و نرم» بانکها شده است.

از آنچه که در مباحث پیشین گذشت، این استنتاج کلی بدست می‌آید که: «امپریالیسم یا سیادت سرمایه‌ی مالی عبارت است از آن مرحله‌ی عالی سرمایه‌داری که در آن «جدائی مالکیت بر سرمایه از سرمایه‌گذاری در تولید، جدائی سرمایه‌ی پولی از سرمایه‌ی صنعتی، جدائی سیستم نژولخواری (که فقط از قبل سرمایه‌ی پولی خود زندگی می‌کنند) از کارفرما و تمام کسانی که در اداره‌ی سرمایه شرکت مستقیم دارند» دامنه‌ای عظیم پیدا می‌کند». در جریان این روند است که «سرمایه‌ی مالی بر کلیدی اشکال دیگر سرمایه‌توق می‌یابد و تنزیل بگیران و الیگارش‌ی مالی موقعیت سلطه‌آمیزی بهم می‌رسانند و این بدان معنی است که عده‌ی قلیلی از کشورهای «قدرتمند» مالی از سایر کشورهای متمایز می‌شوند». لنین با بررسی آمارهای رشد تمرکز سرمایه‌ی مالی در کشورهای سرمایه‌داری به این نتیجه می‌رسد که: «از روی این پیکرها فوراً دیده می‌شود چگونه از میان ثروتمندترین کشورهای سرمایه‌داری، چهار کشور که هر یک تقریباً از ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد فرانک اوراق بهادار در اختیار دارند، از سایر کشورها تمایز پیدا کرده‌اند. از این چهار کشور، دو کشور از کهن‌ترین کشورهای سرمایه‌داری هستند، و بطوریکه می‌خواهیم دید این دو کشور از لحاظ مستعمرات غنی‌ترین هم می‌باشند. این دو کشور عبارتند از انگلستان و فرانسه. در کشور دیگر از لحاظ سرعت تکامل و از نظر بیست و توسعه‌ی انحصارهای سرمایه‌داری در تولید از زمره کشورهای سرمایه‌داری پیشرو هستند. این دو کشور عبارت‌اند از ایالات متحده و آلمان. این چهار کشور (در سال ۱۹۱۶) مجموعاً ۴۷۹ میلیارد فرانک، یعنی تقریباً ۸۰٪ سرمایه‌ی مالی جهانی را در اختیار دارند. بقیه‌ی جهان، تقریباً به نحوی از انحاء نسبت به این کشورها، یعنی نسبت به بانکدارهای جهانی و چهار «ستون» سرمایه‌ی مالی جهانی، در موضع پدیده‌کار و خراج گذار قرار دارند».

و اما دریاوه‌ی نقش «صدور سرمایه در ایجاد یک شبکه‌ی بین‌المللی وابستگی و ارتباط‌های سرمایه‌ی مالی»؟

۳ - صدور سرمایه

صدور کالا خصیصه‌ی مشخصه‌ی سرمایه‌داری قدیم است که در نظام آن رقابت آزاد تسلط کامل داشت.

خدا حافظ آقای ۵ درصد

بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، با یک میلیارد و دو بیست میلیون تومان سرمایه ثبت شده، آنطور که خبر می دهند تا پایان سال ۵۶ از واحدها و موسسات تولیدی، خدماتی و تجاری، مبلغ ۲۳ میلیارد تومان طلبکار بود. آمار رسمی شهادت می دهد که نزدیک به ۱۶ درصد از ۸۱۰۰ سهامدار این بانک خارجی هستند و جالبست که برای تسهیل امور غارتگری بسیاری از شرکت های خارجی در ایران، به آنها نیز وام می داده است. رئیس هیئت مدیره این بانک جعفر شریف امامی بود و مدیر عاملش ابوالقاسم خردجو. اعضای هیئت مدیره آن افرادی بودند چون: حبیب ثابت، محمدتقی برخوردار، یوسف خوشکیش، محمد خسرو شاهی، ... در ضمن یکی از موسسات وابسته به فرح پهلوی هم در هیئت مدیره عضویت داشت. جالب اینجاست که آمار رسمی خبر می دهد که در میان این سهامداران خوشنام فقط «سندوق تأمین اجتماعی» بود که بیش از ده درصد از سهام را داشت؛ و بقیه همگی به کمتر از ده درصد ضایت داده بودند و به امر «توسعه اقتصادی» ایران مشغول بودند! وقتی که می بینیم این بانک تا آخر سال ۱۳۵۶ تنها به بانک های داخلی حدود ۳/۵ میلیارد تومان بدهکار است و جمع بدهی هایش به بانک های داخلی و خارجی سر به ۱۴ میلیارد تومان میزند، در حالیکه سرمایه ثبت شده و پرداخت شده اش به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان می رسد و در عین حال فقط ۳۰۰ کارمند و تنها یک شعبه در سراسر ایران دارد، آنوقت متوجه ابعاد وحشتناک غارتگری این کارگزاران امپریالیسم و این چپاولگران دست نخورده خلق های ستمدیده میهنمان می شویم.

در کجای دنیا می شد با این مقدار سرمایه اولیه چنان سودهای هنگفتی به جیب زد و چگونه می شد با این مقدار سرمایه نبض فعالیت های کارخانه ها و واحدهای اقتصادی را در دست داشت و بدو خواه حرکت هایشان را بر طبق نیازهای اربابان جهل و خوار تنظیم کرد؟ تمرکز این همه قدرت مالی در دست عده ای بدون پیوند درونی با هیئت حاکمه سیاسی وقت نبود و اساس سرمایه داری وابسته ایران در زمینه های مختلف معالشی متکی بر یک چنین مکانیزمی از کسب سود بود.

بانک های داخلی و خارجی به چه اعتباری به این بانک و امثال آن این همه وام های کلان می دادند و چگونه به بازپرداخت و امایشان اطمینان داشتند؟ آری سرمایه داری وابسته و ماشینی بوروکراتیک نظامی وابسته به آن اهرم نبود امپریالیسم در ایران بودند و هستند. اما امروز بوی اختگی را از آن می شنوید اگر خوشبین باشیم. این اهرم ها و امثال آقای ۵ درصد بودند که حفاظت میکردند.

شریف امامی منور که در بین سرمایه داران داخلی به آقای ۵ درصد معروف بود، از جانب شاه خائن - رئیس هیئت مدیره شرکت سهامی غارت خلق های ایران - مأموریت داشت که ۵ درصد از سهام هر واحد اقتصادی و تولیدی بزرگ را به نام بنیاد پهلوی ثبت کند و میکرد.

شاه خائن با همدستی کارگزارانی چون شریف امامی شبکه پیچیده ای برای نفوذ و کنترل زندگی سیاسی و اقتصادی ایران بوجود آورده بود که حلقه های کوچکی از آن «بانک توسعه صنعتی و معدنی» است. امروز که به دوروبر خود می نگریم، رئیس هیئت مدیره، مدیر عامل و تنها چند تن از کارمندان عالی رتبه «شرکت سهامی غارت خلق های ایران» را نمی بینیم و چشم انتظاریم تا دولت انقلابی تازد و این شرکت را درهم بریزد. اما افسوس که خیلی با احتیاط و آرام آرام میل دارد از کارمندان شرکت معذرت بخواند، سرمایه هایی را که سالها منشأ غارت مردم ما بوده اند مصادره نمی کند و از سرمایه داران قراری دعوت به بازگشت نمی کند، «رویا» مظلوم را همچنان به ماغوشی با «دلار» ظالم و داشته است و گاه گاه جز در حرکت های پراکنده نمیتوان رد پای مبارزه با شرکت شاه و شرکارا گرفت.

شماره دوم «برابری» منتشر شد

نومین شماره «برابری» مبارزان پانزده خرداد... «لوزوم ارگان» اتحاد ملی زنان منتشر شرکت زنان کارگر در شوراهای شد. در این شماره مقالاتی تحت و... چشم می خورد. «برابری» عنوان: «چشم انتظار قانون اساسی دو هفته بکبار منتشر میشود. هشتم و نگران...» به یاد

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه

نقد فیلم

دزد دو چرخه
فیلمنامه: چزاره زاوتینی
کارگردان: ویتوریو دسیکا

«نورنالیسم»، واقعیت گرایي نوین محصول جنک جهانگیر دوم است. این سینما از سال ۱۹۴۵ با آثار سینما - کرانی چون روسه لینی، دسیکا، ویسکونتی و... رونق گرفت. سینمای واقع گرای نوین در قیاس با سالهای اختناق سینمای ایتالیا، سالهایی که این سینما اسیر معیارهای فاشیسم بود، گامی به جلو محسوب میشود. چرا که از سنت های غیر واقعی و فرمایشی حزبی رهایی یافته بود. اما در قیاس با خصوصیات هنر واقع گرا چه در این خصوص قضاوتی قاطع نمیتوان داشت. چرا که سینمایی که تحت این عنوان در ایتالیا شناخته شده است، جریانی یکپارچه نیست. اما در مورد دزد دو چرخه، که مطرح ترین فیلم نیمه اول واقع گرایي نوین است، میتواند به این سوال پاسخ بگوید. دزد دو چرخه تکامل واقعیت گرایي است یا انحطاط آن؟ دزد دو چرخه انحطاط واقعیت گرایي است در قیاس با معیارهای تکامل یافته واقع گرایي. اما در عین حال دزد دو چرخه تکامل واقعیت گرایي است در قیاس با معیارهای واپس روندهی هنر قدرت گرا.

در ابتدا به شناسایی مشخص فیلم بپردازیم، تا در پرتو این شناسایی مشخص، بگوییم که چگونه فیلم از جهاتی تکامل واقعیت گرایي و از جهاتی دیگر انحطاط آن است.

دزد دو چرخه تکامل یا انحطاط واقعیت گرایي

از مشخصات عمده دزد دو چرخه، و اصولاً نو واقعیت گرایي اولیه، رویکرد آن به واقعیتها و زندگی واره است. در این نوع سینما از بازیگران حرفه ای استفاده نمیشود. و یا اگر از بازیگران حرفه ای استفاده شود، بازیگران از حالت ستاره - اسطوره ای خود جدا شده، سیمای مردمان کوچک و بازار را میبایند.

در این نوع سینما از دکور استفاده نمیشود. رخ داده ها در زمینه واقعی کوچک و بازار اتفاق می افتند.

در این نوع سینما از داستان پردازی تصنعی و تخیلی، که کوچکترین تفاوتی با رخ داده های زندگی داشته باشد، استفاده نمیشود.

در برآورد کلی، این سینما برای رسیدن به شناختی نابتر از زندگی، فاقد هر نوع تخیل هنری است. چزاره زاوتینی نویسنده و نظریه پرداز نو واقع گرایي (فیلمنامه نویس همین دزد دو چرخه) میگوید:

هنر باید از تخیل هنری چشم بپوشد و خود را یکسره در اختیار واقعیت بگذارد، تا وظیفه روزمره اش را به پایان برساند.

مستند گرایي و حذف تخیل هنری، گونهای اعتراض به فیلمهای فاشیستی محسوب میشود. فیلمهای مصنوعی و تخیل گرایي که از هر نوع تماس با واقعیت خودداری میورزیدند، که البته موارد صعود این نوع سینما به نسبت سینمای قدرت گرا در همین زمینه معترضانه اش نهفته است.

ببینیم دزد دو چرخه کار مشترک زاوتینی (فیلمنامه نویس) و دسیکا (کارگردان) چه شناختی از واقعیت بدست میدهد!

فیلم داستانی به غایت ساده دارد. داستانی که هر نظاره گر ساده ای در اجتماع پس از جنک ایتالیا میتواند ببیند. ریچی مانده خیل بیکاران پس از جنک بدنبال کار است. او که در کنار زنش ماریا و پسرش بیرونه زندگی آرامی دارد، بزرگترین مشکل زندگی بیکاری است. او کاری پیدا میکند. چسپانیدن اعلامیه روی دیوار. اما مجبور است برای انجام کار دو چرخه ای داشته باشد. ریچی با گرو گذاشتن ملاقه های دو چرخه ای تهیه میکند. او با امید فراوان به کار میپردازد، اما در اولین روز انجام کار دو چرخه اش دزدیده میشود. ریچی برای یافتن سارق تلاشی خستگی ناپذیر آغاز میکند. اما او که میخواهد از طریق قانونی دو چرخه اش را پیدا کند، او که میخواهد شرافتمندانه زندگی کند، در پایان وقتی که موفق به یافتن دو چرخه اش از راههای مشروع نمیشود، مجبور میشود برای ادامه زندگی دو چرخه ای را بدزدد. ریچی بدنبال سعادت است از طریق کاری شرافتمندانه اما او اسیر اجتماعی است که کار از راههای شرافتمندانه را غیر ممکن ساخته است.

این داستان بالقوه میتواند مضمون سینمایی واقع گرا قرار بگیرد. اما بهره ای که دسیکا و زاوتینی از این داستان میبرند اثر را به ورطه طبیعت گرایي میاندازد. موارد عدول فیلم را از واقع گرایي بشناسیم:

۱- فیلم فاقد زمینه اجتماعی است: دزد دو چرخه میخواهد از طریق ضایعات پس از جنک، جنک را محکوم نماید. اما نمیتواند تصویری جامع از جنک نشان دهد. فیلم مشکل ریچی را نتیجه بیکاری، و بیکاری را معلول جنک میدانند. اما اینکه جنک چگونه بوجود می آید، و چه مناسباتی جنک را بوجود می آورند، فیلم جواب روشنی ندارد. و یا اصولاً جوابی ندارد. فیلم نمیخواهد، و یا نمیتواند، به جنک به مثابه نتیجه تضادهای طبقاتی نگاه کند. حتا وقتی به ضایعات پس از جنک میپردازد، نمیتواند تصویری واقعی از اثرات جنک روی طبقات مختلف نشان دهد. فیلم میگوید بیکاری از ضایعات جنک است. اما نمیگوید بیکاری بیشترین فشارش را روی چه زیان میبینند، یا نه. فیلم بیکاری را مشکل عام جامعه ای پس از جنک میدانند. البته در فیلم صحنه هایی داریم که دلالت بر

تضادهای طبقاتی میکنند. مثال:

صحنه ای داریم که ریچی و همکارش روی دیوار اعلامیه می چسبانند. مرد مسنی که پشت به دوربین دارد از مقابلشان میگذرد. مرد کلاه و لباس زیبایی بتن دارد. کیفی زیر بغل گرفته و از چترش بصورت عصا استفاده میکند. دوربین با حرکت افقی دور شدن او را در خیابان دنبال میکند. یکی از بچه ها به امید گرفتن پول او را تعقیب میکند، اما دست خالی برمیگردد.

مثالی دیگر: ریچی و برونو در رستورانی غذا میخورند. دوربین از دید برونو میز بغلی را نشان میدهد. خانواده مرفهی در لباس تازه روز یکشنبه دیده میشوند. در فواصل مختلف این صحنه، دوربین از نگاه برونو، دخترکی را که مشغول خوردن است، نظارت میکند. در یکی از همین نماها ریچی که متوجه نگاه حسرت زده برونو شده میگوید: ریچی - برای اینکه آدم پول به همچین غذایی رو بده، باید ماهی به میلیون پول درآره...

پس در اجتماع پس از جنک طبقاتی وجود دارند که از جنک زبانی ندیده اند. اما این تصویرها سرشت کلی فیلم را که خصیصه غیر طبقاتی دارد تعیین نمیکند. فیلم هیچوقت ریچی را در مقابل طبقات دیگر نمیگذارد. جز استثناهایی صحنه، که روی آنها تأکید نمیشود.

تاکید فیلم به واقع نمایی مستند واره، ابهام زمینه فیلم

را باعث آمده است. فیلم تصویرهایی را نشان میدهد، که بشکل مجزا واقعی هستند. اما چون فیلم فاقد عنصر آگاهی است، یعنی چون فیلم ساز نگاهی تحلیلی گرانه به واقعیت ندارد، فیلم نمیتواند قانونندی های درونی واقعیت را آشکار سازد. ۲- فیلم فاقد شخصیت های نمونه ایست: اشخاص فیلم دزد دو چرخه فاقد خصوصیات نوعی هستند. در نتیجه خصوصیات طبقاتی ندارند. ریچی نمونه طبقه اجتماعی بخصوصی نیست. البته بیکار است. اما بیکاری به تنهایی نمیتواند پایگاه طبقاتی او را مشخص کند. گذشته از آن ریچی حتا الگوی بیکاران هم نیست. او ریچی تنهاست که جامعه ای بیدادگر را در مقابل خود دارد. و نه اینکه طبقه خاصی را در خود داشته باشد. و بیشترین تأکید فیلم بر همین معنادار است. مثال میزنم.

دراولین فصل فیلم برای ریچی کاری پیدا میشود. اما مأمور کاریابی میگوید:

«یادت باشد باید دو چرخه داشته باشی، والا از شغل خبری نیسی.»

ریچی دو چرخه ندارد. بیکاران دیگر وقتی از این جریان مطلع میشوند، هر یک با اعلام اینکه دو چرخه دارند، میخواهند کار را از دستش بچاپند. معنی کنید که فقر بیگانگی آدمها را نسبت بهم باعث شده است. یا اینکه آدمها در مقابل مشکلات وحدتی نمیتوانند داشته باشند.

مثالی دیگر: ریچی برای یافتن دوستش به سالن حزبی وارد میشود. سخنرانی در حال صحبت است:

سخنران - چون کاری وجود ندارد، پیدا کردن شغل برای مردم امکان ندارد.

ریچی برای یافتن دوستش از چند نفر سوالاتی میپرسد. سخنران اعتراض میکند که اگر نمیخواهد به سخنانش گوش دهد بیرون برون. فیلم ساز پرداخت چنین صحنه ای خواسته است بیگانگی ریچی را با سخنرانی که در حرف از منافع بیکاران سخن میگوید نشان دهد. و به این ترتیب خواسته است به تنهایی ریچی ابعاد تراژیکتری ببخشد.

۳- فیلم فاقد آرمان اجتماعی است: چون ریچی فاقد نوعیت است، چون فردی است که بتمنهایی در مقابل اجتماعش ایستاده است، در نتیجه بتمنهایی قادر به حل مشکلاتش نیست. و چون نمیتواند مشکلاتش را حل کند، بنا بر این مقصد و آینده ای برایش وجود ندارد. آخرین فصل فیلم تجسم دقیق پیام نومیدانه فیلم است. ریچی پس از آنکه به عنوان دزد دو چرخه مورد تحقیر مردم قرار میگیرد، سرافکنده و شرمسار در میان جمعیت گم میشود. بیشک برای اودیگر آینده ای وجود ندارد. این سینما که از جنک مایه گرفته مانند اکثر هنرهای بعد از جنک فاقد آرمان اجتماعی بود.

بنا بر این علیرغم اصراری که این سینما به واقع نمایی دارد، چون فاقد زمینه اجتماعی، شخصیت های نوعی، و آرمان اجتماعی است، سرانجام به ورطه طبیعت گرایي میفتند. البته از این داوری نمیتوانیم نتیجه قاطعی در مورد سینمای نو واقع گرا بگیریم. زیرا همانطور که گفتیم نو واقع گرایي جریانی یک پارچه نیست. این نقص بیشتر روی کارهای مشترک زاوتینی و دسیکا سنگینی میکند. بزرگان دیگر نو واقع گرایي، خصوصاً ویسکونتی و فلیبی که باعث تکامل این مکتب شده اند، از نسخه برداری ساده واقعیت دوری میکردند. بقول انو پاتالاس و اولریش گرگور در تاریخ سینما، فیلم ابداعی ویسکونتی یعنی زمین می لرزد، بسیار عینی تر از دزد دو چرخه موثر افتاد و به همین علت وقتی ناسامانی های جنک بظاهر ترمیم یافت: دسیکا که جز نمود و تظاهر واقعیت از واقعیت چیزی نمی دید، راه انحطاط در پیش گرفت. دسیکای دزد دو چرخه تا حد فیلم احساساتی گرای آخرین سفر سقوط کرد اما رهروان دیگر این مکتب، مثل ویسکونتی، که نگاهی ژرف اندیشانه تر به واقعیت داشت، تا پایان عمر در اوج اقتدار هنری باقی ماندند.

بهزاد عشقی

نماینده گروهی از کارگران بیکار در بزرگداشت قهرمانان خلق عمان:

مبارزه خود را از مبارزه سایر خلقهای جهان جدا نمیکنیم

مبارزات خلقهای جهان برای آزادی و برای ریشه کن کردن ستم طبقاتی هر چند بظاهر در محدوده سرزمینشان بوقوع می پیوندد لیکن از این نظر که آنها تماماً علیه سرمایه داری جهانی، علیه امپریالیسم، علیه استعمار و استثمار به نبردی آزادی بخش دست می زنند، با هم و در یک صف واحد قرار دارند. بزرگداشت مبارزات خلقهای جهان انعکاسی از همین همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان است.

خلق ما چندی پیش سالروز مبارزات ضد امپریالیستی خلق عمان را گرامی داشت. در مراسمی که کنفرانس وحدت در دانشگاه پللی تکنیک برگزار کرده بود یکی از کارگران بنیامیندی گرومی از کارگران بیکار قطعنامه ای خواند به سبب مضمون مترقی این قطعنامه آنرا بجا می رسانیم باشد که مبارزات همبسته خلق ما با خلقهای جهان علیه امپریالیسم جهانی به رهبری طبقه انقلابی کارگر روز بروز گسترش و عمق بیشتری گیرد:

درد بر خلق قهرمان عمان و سایر خلقهای قهرمان جهان درود بر تمام شهدای راه آزادی درود بر شهدای بخون خفته کارگر ما عده ای از کارگران بیکار شده بر خودناستیم در چنین روزی که بزرگداشت قهرمانان بخون خفته و پیروزی خلق عمان است با خلق قهرمان عمان اعلام همبستگی کارگران ایران.

کارگران موزائیک سازی سبیده

ما خودمان می توانیم کارخانه ها را اداره کنیم

کارگران اخراجی موزائیک سازی سبیده بوشهر برای اعتراض به اخراج خود نامه ای به اداره کار بوشهر ارسال داشته و در نوشت آنرا به افضمام اختیاریه مدیر کارخانه به پیغام امروز فرستاده اند. متن نامه در زیر می آید:

ما کارگران موزائیک سازی سبیده اعم از بلوک زنی و شبکه زنی و دست ریزی که برای منوچهر نجات صاحب کارگاه کار می کنیم امروز ساعت ۱۰ مورخه ۵۸/۳/۵ به ما ابلاغ می کند که فردا یعنی ۵۸/۳/۶ کارگاه را تعطیل کنید البته به غیر از قسمت بلوک زنی که فقط ۲ کارگر دارد و نفع بیشتری در صورتیکه قسمت عمده کارگاه که شامل استخراج موزائیک می باشد و ۱۰ کارگر دارد دستور تعطیل آنرا می دهد. ما کارگران نسبت به این عمل اعتراض می کنیم می گویند چون مصالح و مایحتاج کارگاه موجود نیست و نمی توانم فراهم کنم کارگاه را به غیر از بلوک زنی تعطیل می کنیم. در صورتی که از نظر ما کارگران که در متن کار هستیم خوب می دانیم که هم اکنون هم از نظر سیمان و ماسه تامین است و هم فروش موزائیک خوب است و هم بازده کار زیاد است. نکته ای که باید گفته شود اینست که ایشان یعنی آقای

نجات ضمن اینکه دبیر دبیرستان است و با یک پروانه کار سه بخش کار را در یک محیط ایجاد کرده است. ما مدت ده، دوازده سال است که برای ایشان کار می کنیم و بوسیله همین نیروهای که در مدت این چند سال اخیر هدر رفته ایشان صاحب مال و منال و انومیل آخرین سیستم شده اند با یک کلمه خیلی ساده میگویند کارگاه را تعطیل می کنیم. ما کارگران خود می توانیم بدون وجود ایشان از هر لحاظ کارگاه را بچرخانیم که کار تعطیل نشود. همانطور که ریاست محترم اداره کار استان بوشهر در جریان هستند که امروز کشور ما یک کشور انقلابی است و اوج بیکاری در آن به سرحد رسیده در این موقعیت اگر ما چند کارگر توسط کارفرما بیکار شویم تکلیف ما چیست؟ تکلیف زن و فرزندان ما چیست؟ تکلیف ما محتاج زندگی ما و گریه مسکن ما چه می شود؟ آیا کدام قانون بشری اجازه می دهد که آقای کارفرما بدون هیچ دلیلی نان ما و زن و بچه های ما را قطع کند؟ هر چه زودتر بکار و وضع ما رسیدگی و اقدام فرمائید ضمناً حسین سپهران منشی کارگاه هم در این جریان مدافع کارفرماست و از ایشان هم شکایت داریم.



نماینده کارگران یا نماینده کارفرما؟

شورای کارگران کارخانه تکنو کار طی اطلاعیه ای به افشای دروغ محض شورای کارکنان شرکت «بافکار» در مورد مدت کار خود پرداخته و از این شورا پرسیده اند: شما نماینده کارگران «بافکار» هستید یا مدافع منافع کارفرمای شرکت تکنو کار؟ متن این نامه پاسخ به اطلاعیه شورای بافکار است که در تاریخ پنجشنبه ۵۸/۳/۱۷ در صفحه کارگری روزنامه جمهوری اسلامی درج شده بود. در نامه شورای کارگران کارخانه تکنو کار می خوانیم: برادران کارگر ششورای کارکنان شرکت «بافکار» طی اطلاعیه ای مدعی است که این خبر که کارگران شرکت «تکنو کار» در هفته پنج روز کار می کنند بطور کلی کذب و دروغ محض است. ما به اطلاع این شورا و همه برادران کارگر و هم میهنان عزیز می رسانیم ما با تحمل ضرر و زیان برای اینکه به خواست انقلابی خود برای ۴۰ ساعت کار در هفته برسیم مدت ۶ هفته است که در هفته پنج روز کار می کنیم و بیه هیچ وجه از مبارزه برای رسیدن به این خواست خودداری نمی کنیم. ما ضمن افشای دروغ محض شورای کارکنان شرکت «بافکار» به این اطلاعیه ضد کارگری و سرایا دروغ این شورا اعتراض کرده از آنان می پرسیم شما نماینده کارگران «بافکار» هستید یا مدافع منافع کارفرمای شرکت «تکنو کار» و اگر نیستید چگونه با دروغ گوئی محض سعی می کنید کارگران را بفریبید.

آزادیهای سیاسی واجتماعی، تجزیه پذیر نیست

چند نفر با هم شریک شده اند و از بانک کشاورزی وامی مبلغ ۵۲ هزار تومان به مدت ۵ سال با یازده هزار تومان بدهی گرفته و با آن تراکتور خریده اند، ولی برای پرداخت اقساط بانک در شهر به کار لحاف دوزی می پردازند، یک راننده تراکتور میگوید: در یک شبانه روز با تراکتور همانقدر کار می کنم که به تنهایی در شهر کارگری بکنم. گفتنی است که بدلیل عدم توانایی روستائیان که خرده مالکند و به تکه زمینی بند هستند آنان خود قادر به خرید تراکتور نیستند و هر سال بخش مهمی از درآمد خود را مجبورند صرف اجاره تراکتور کنند. دولت می خرد و خرید آنرا به شرکت تعاونی واگذار کرده است و عاملان خرید از این راه پول کلانی به جیب زده اند. دو سال قبل نه دولت خائن گذشته و نه هیچکس دیگر حاضر به خرید گندم نبوده اند و گندم روی دست دهقانان مانده است. او در عوض صادرات گندم از کشورهای امپریالیستی به ایران بخش بزرگی از درآمد ملی را بلعیده و سود را به جیب سرمایه داران آمریکائی و ... سرانیز کرده است. اکثر دهقانان، رعیت های صاحب نسق سابق هستند که در جریان اصلاحات ارضی صاحب تکه زمینی شده اند و سالها مجبور بوده اند قسط خرید زمین را بپردازند (و این بیشتر و بیشتر آنان را به فقر و ورشکستگی کشانده است) عده ای هم خرده مالکین سابق هستند که - گرچه - زمینهای بهتری دارند و از پرداخت قسط راحت هستند و گاه حتی قسط دریافت میکنند، ولی به علت خصلت عمومی سلطه امپریالیسم و وجود هزاران مشکل در پیش پایشان آنان هم در بزوال و نابودی رفته اند. نیروی انسانی نسبت به سالهای اصلاحات ارضی چند برابر شده است بچه های آن دوره مرد شده اند و پدربهای پیر در گذشته اند، اما همان زمین کوچک (یک جفت یا یک لنگه) بین چند پسر تقسیم شده است. کوچک بودن قطعات زمین وضع خنده دار و گریه آوری دارد و همه دهقانان که از عصر گاو به عصر تراکتور وارد شده اند عمیقاً این مسئله را درک میکنند کسانی که سرمایه ای داشته اند به مرور مقداری از زمینها را خریده و یکپارچه کرده و چاهی حفر کرده اند. (اما نباید اشتباه کرد این خرده مالکین نسبتاً مرفه که خود در برابر خوش نشینان و خرده مالکین کوچک تر، بعلت استثمار نسبی نیروی کار و داشتن امکانات بهتر، از وضع مساعدتری برخوردارند در عوض در برابر شرایط و حمایتی که از مالکین بزرگ، از صاحبان کشت و صنعت های وابسته می شده، با توجه به بوروکراسی حاکم در سابق و متداول بودن «پارتی بازی» در گرفتن وام و بدست آوردن دیگر امکانات، تحت فشار بوده اند آنان عموماً قدرت رقابت با این اقتدار را نداشته و گرچه وضع آنان در برابر اقتدار محروم روستا امیدواریهایی در آنان برمی انگیزد اما موانع و مشکلاتشان در برابر مالکین بزرگ وابسته، آنها را در شرایط ناگوار و مترزانی قرار می داده است).

گزارشی از مناطق روستایی نواحی مرکزی ایران: (۱)

روستاها، در چنگال فقر و فلاکت

مسائل روستاها از مهمترین مسائلی است که اکنون در سطح جامعه مطرح است. هر روز که می گذرد از اینجا و آنجا، خبردار می شویم که روستائیان خواستهای حیاتی خود را اعلام کرده اند. تلاش و حرکت تازه ای که در سراسر روستاها گسترش می یابد، می تواند نشانه پیشرفت تازه و تحول نوینی در زندگی یکی از محروم ترین طبقات جامعه ما باشد. طبقه ای که به صورتی مشهور گشته و چه بسیار که با تردید و گنگی به تحولات جامعه چشم دوخته است. وقتی محرومان سربالای می گیرند، امکان می گشایند و به سخن می آیند و گام به پیش می گذارند تا از حقوق خود دفاع کنند بی شک در دل هر انسان پشتیبان حق و آزادی شوق و شوری تازه، امیدی تازه و ایمانی تازه به اینکه توده های بسوی رهایی خود گام برمی دارند نطفه می بندد. آشکار است که در این جا، مفتخواران جامعه، آنانی که از قبل زحمت مردم زنده و رنج توده ها، گنج آنهاست این جنبش را به گونه ای دیگر ارزیابی می کنند. آنها می بینند که این حرکتها به چه جایی ختم می شود، احساس می کنند که روز نابودی شان در نهایت فرا خواهد رسید آنان بعینه متوجه می شوند هر قدمی که توده ها پیش می گذارند بخشی از منافع شان از دست می رود و هم از این دولت که شروع به وارونه نشان دادن حقایق می کنند، درخواست حق طلبانه را به خوابکاری و اخلاکگری می خوانند، از مقدس بودن مالکیت خصوصی ابزار تولید، یعنی از مقدس بودن یعنی از مقدس بودن زندگی فلاکت بار محرومان یعنی از مقدس بودن چپاول حرف می زنند و با تمام نیرو می کوشند جلوی این حرکتها را بگیرند. اما این واقعیتی است که انقلاب خلقهای تحت ستم ایران سالها و سالها آنان را به پیش رانده است و حداقل هم اکنون آنان در پی تغییر روابط گذشته اند، هر چند که تصویری گنگ و مبهم از تغییر دارند. هر چند که عموماً قادرند فقط از وضع فلاکت بار و از بی حقوقی های خود حرف بزنند و آوند، هر چند که کلاچ راغی روشن از آگاهی در پیش چشم آنان قرار ندارد، لیکن این دیگر به عهده آنان نیست این وظیفه روشنفکران انقلابی است که بر زمینه مبارزه توده ها برای احقاق حق مسیر آزادی را به آنان نشان دهند، اتحاد کلیه نیروهای خلقی را با پیشروترین طبقه ای که قادر به پیشاهنگی نبرد برای بنیاد نهادن جامعه ای نوین است یعنی با طبقه کارگر فراهم آورند و نه با کلبی گویی بلکه با

درد مشخص اوضاع و شرایط، با تحقیق در خصوص مسائل مشخص شرائط را برای عمل آزادی بخش فراهم کنند. ضعف جنبش های دهکراتیک ایران بجز عدم تأمین رهبری طبقه کارگر، کمبود شرکت فعالانه متحد طبیعی کارگران، یعنی دهقانان بوده است، به همان درجه، روشنفکران انقلابی بطور زنده و فعال از شرائط زندگی دهقانان از مسائل و معضلات آنان بی خبر و با دارای آگاهی های پراکنده و کلی اند، کشاورزی ویران شده، فقر شدید و توان فرسا، گریز از شدت قطعه زمین، مهاجرت و درگیری و تنگ تر شدن تنگناها همه و همه امروز روبروی کشاورزان و کشاورزی قرار دارد، طبیعی است جزیک تحول بنیادی، جز به تمرسیدن مبارزه با امپریالیسم مسائل روستاها، حل نشده باقی خواهد ماند، به ثمر رسیدن مبارزه با امپریالیسم، یعنی از بین رفتن عواملی که ورشکستگی کشاورزی را پیش می آورد، یعنی رها شدن کشاورزی از سدهایی که پیش پای آن وجود داشت تا هر چه بیشتر به من برسد و از آنسوی نفوذ امپریالیسم بوسیله وابسته کردن مردم ما به وجود فعالیت خود بیشتر گردد یعنی این زمینه مساعد برای تبدیل مالکیت روبه اضمحلال خرده مالکی به فعالیت جمعی در درازمدت. بهر رو، شمائی از وضع مناطق روستایی نواحی مرکزی ایران در گزارشی «طی چند شماره» پیش رو قرار می دهیم تا معلوم شود این بیکار زخم خورده و بیمار چه وضعیتی دارد.

وضع تولید و درآمد در روستا

تولید کشاورزی در چند سال گذشته بوضع فلاکت باری در آمده است. وضع کشت دیم اسفناکتر است چون راندمان کار در آن بسیار کمتر است. دهقانی می گوید: امسال بیست خروار گندم محصول من بوده است که از آن مقدار ۱۰ خروار هزینه شخم، درو... است ۱۰ خروار از قرار منی ۳۶۰۰ تومان می شود. برای این مبلغ حداقل دوفت باید مدام کار بکنند. در حالیکه کارگر مزدور حداقل دو ماه این پول را بدست می آورد. در تابستان دستمزد دروگر با غذ حدود ۶۰-۷۰ تومان بوده. یک دروگر در زمین دیم حدود ۲۵ من گندم درو می کند که معادل ۳۶۹۰ تومان است هزینه شخم، خرمنکوبی و ... را هم به آن اضافه کنید. پس جای تعجب نیست که در سه سال گذشته به مرور زمینهای بایر زیاد و زیادتر شده است بطوریکه در یک روستای نسبتاً بزرگ که همه مردم آن در شرکت کار می کنند فقط یک نفر زمینش را شخم زده است.

برای حفظ وحدت باید از انحصار طلبی جلوگیری کرد

آنها که روی نظرات خود پافشاری می کنند وحدت ملی را بخطر می اندازند

دورجلسه هفتگی جبهه ملی، و کنگره موسویان، مؤسسه سازمان دانشجویان جبهه ملی، درباره لزوم حفظ وحدت ملی، سخنرانی کرد. موسویان گفت: «پارشد همه جانبه انقلاب، امپریالیزم قدم به قدم عقب نشینی کرد ولی باید توجه داشت که این عقب نشینی تاکتیکی است. یک قدم به عقب و دو قدم به پیش. قطعاً امپریالیزم منتظر است تا در لباس چاهد و فرصت جدید، ضربه نهایی خود را وارد کند تا بتواند در این کشور که برایش کلیه دنیاهاست، نفوذ کند.»

موسویان آنگاه به گروههای انحصار طلب حمله کرد و گفت: برای وحدت، باید از انحصار طلبی جلوگیری کرد. باید همه قبول کنند که در مرحله تخریب

انقلاب، گروههای مختلفی با ایدئولوژیهای مختلف، شرکت داشتند، و در مرحله سازندگی انقلاب نیز همه این گروهها با یکدیگر سهم داشته باشند.

کسانی وحدت ملی را دانسته یا ندانسته بخطر می اندازند، که روی نظرات خود پافشاری میکنند و دیگران را بحساب نمی آورند. اکنون وحدت کلمه مطرح شده است. وحدت کلمه با حرف بوجود نمی آید. احترام به ایدئولوژیهای دیگران و حفظ موازین دموکراسی است که وحدت را بوجود می آورد، و اگر این اصول رعایت نشود و خطر بزرگ وجود دارد، یکی برگشت فاشیسم و دیکتاتوری و دیگری جنگهای داخلی، که هر دو به ضرر این مملکت است.»

وحدت طلبی در زبان

بچه از صفحه ۱

بانی، سخت استاد است، و بطور غریزی، در پی ساختن جهان ذهنی خویش است.

آن خود شکنی که روزی محور اندیشه عرفان بود، بنیاد بر شکستن دنیای ذهنی، در برابر واقعیات، و دنیای بینی و موجود قرار داشت. ولی بعدها در درون خود شکنی، عنصر دیگری پیدا شد که ذهنیت مطلق را جان شین واقع نگری ساخت. و عرفان راهم در درون خود مقید ساخت.

میلیاردها انسان پهنه زمین، منشأ خلقت های مختلف و متنوع نداشته اند. منشأ خلقت انسان، یکی بیش نیست. به این اعتبار، تمام مردم روی زمین باید از حقوق و شرایط و مزیت های برابر برای زیستن برخوردار باشند. هیچ فرقه یا تئوریه یا ملت حق ندارد خود را برتر از دیگران بشمارد، و قایل به برتری خاص با منشأ خلقت بشود. اگر شده متعصب و اشیاز طلب است، و سلامت اندیشه را در زمینه معتقدات خویش از دست داده است.

کسانی هستند که در قلمرو معتقدات خویش، دچار حالت برتری جویی و استیلا طلبی بر جامعه می شوند، و به فریست، حتی باریختن خون، با ایجاد رعب و وحشت، چندان در درون خویش، خود ذهنی را زیر ذره بین قرار داده اند، که جز خود و اندیشه خود، چیزی بر پهنه زمین نمی یابند. یا انسان گویا «آذر بیگدلی» است که در گیر شده و آن قطعه زیبا را ساخته است که گرسنه بی از راه رسید، و در برابر خانه فقیه شهر ایستاد و نان طلبید، فقیه، او را به شول و جواب کشید، و هزار مسأله برایش طرح کرد که اگر به آنها جواب ندهد، نان دادن به وی حرام است. و گرسنه چندان زیر جوابهای فقیه شهر مانده، تا از گرسنگی جان داد. و شاعر ناگهان ابراز حیرت و ندامت می کند که: «عجب! فقیه شهر با آن همه دانایی نمی دانست که خداوند نان را به شرط ایمان به مردمان نمی دهد.»

کسانی که میان مردم، تفرقه می اندازند و وگمان می برند، با ایجاد تفرقه در جامعه، بزرگ می شوند. یا بزرگان کلمه توحید دارند و در عمل فقط تصویر ذهنی خود را می بینند و می خواهند، از شمار آن فقیه شهرند که اصل راه حیات یک انسان را در راه انباشته های ذهنی خویش قربانی کرد. و مرتکب قتل شد، و گمان برد به سعادت راه یافته است.

انحصار طلبی، نه در مذهب، نه در عقاید سیاسی، می تواند مطلوب جامعه باشد. و طبیعی است که روحانیان درش بین و آگاه از هم اکنون عواقب پاره ایی کز اندیشی و انحصار طلبی ها را با تأسف و نگرانی می نگرند.

توضیح اشرف دهقانی

اشرف دهقانی و محمدحسین پور سازمان چریک های فدائی خلق روز گذشته با انتشار بیانیه ای غیر مندرج در روزنامه های کیهان و بامداد (۲۲/۳/۵۸) در مورد انتصاب از سازمان چریک های فدائی خلق و ایجاد «یک سازمان دیگر» را تکذیب کردند. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

«با کمال تأسف باید گفت که حیر مندرجه یا حقیقت موضوع اطلاع ندارد، اختلاف ما با رهبری سازمان چریک های فدائی خلق، از جمله اختلافاتی است که دهها نمونه آن را می توان در هر جنبش انقلابی نشان داد. صحبت بر سر تشکیل یک سازمان چریکی نیست، صحبت بر سر تحکیم هر چه بیشتر صفوف چریکهای فدائی خلق و اصلاح و تصفیه عناصر فرصت طلبی است که با مواضع خود راه فدائی را مخدوش میکنند.»

صحبت بر سر تحکیم هر چه بیشتر مواضع چریک فدائی آن است، صحبت بر سر تقویت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است، نه بر سر تضعیف آن. باید بگوییم که همه نیروهای آگاه انقلابی با این اختلافات

تفتیش عقاید و افکار

بقیه از صفحه ۱

منگر آزادی باید همچنان در راه دفاع از آزادیها، مبارزه با هر گونه ارباب و تهدید و رفع هر گونه اسارت و وابستگی در جامعه گام بردارد.

● نظام اجتماعی می باید منبعث از اراده مردم و تبلور حاکمیت مردم بر مردم باشد و این منظور حاصل نمیگردد مگر آنکه مشارکت آزاد همگان در کلیه ارکان و سطوح تصمیم گیری تحقق یابد. تامین آزادیهای اساسی در جامعه تصمیم کننده این مشارکت است.

● ما معتقدیم که دولت باید تمام کوشش های خود را بعمل آورد تا اقتصاد ایران از وابستگی به امپریالیسم بکلی جدا شود و اقتصادی بوجود آید که در آن دیگر از وابستگی خبری نباشد.

● ما معتقدیم که زنان و مردان برابرند و این برابری هر همه فعالیتها و حرفه ها باید مراعات و محترم شمرده شود. ایجاد هر گونه مانعی که به تبعیض جنسی نژادی، مذهبی، و عقیدتی بیانجامد، تجاوز آشکار به انقلاب ایران است.

● نظام خبررسانی به معنای مجموعه رسانه های گروهی باید در خدمت مصالح و منافع جامعه قرار گیرد و آگاه کردن مردم را از رویدادها، خبرها، نظرها و دیدگاهها هدف خود قرار دهد. از اینروست که معتقدیم نظام خبررسانی می باید با مشارکت نمایندگان گروهها و سازمانهای اجتماعی، مستقن از قدرتمندان و زرانندوزان سازمان یابد. هر گونه تجاوز صاحبان زر و زور و هر گونه انحصار طلبی در زمینه مطبوعات و رادیو تلویزیون در جهت منافع انقلاب ایران نیست.

● مشارکت کنندگان در این گروههایی تاسف و لنگرانی عمیق خود را از بروز جوانمندی خود، سری و هرج و مرج و سرچ در فضای انقلاب ایران ابراز می داریم. جلوه گیری از برگزاری فعالیتهای فرهنگی و هنری، قوام بخشیدن به فضای تفتیش عقاید و افکار، تعرض و حمله به کتابفروشی ها و روزنامه فروشی ها با روح انقلاب ایران مغایرت دارد و رسیدگی عاجلانه به این تجاوزات را خواهانیم.

● نظام دانشگاهی نمی تواند رحالت و وظایف خود را در راه ایجاد دانشگاهی مردمی به انجام رساند مگر آنکه آزادی در دانشگاهها و موسسات آموزشی برقرار و استوار بماند. نظام دانشگاهی باید با برخورداری از آزادیهای اساسی، بر اساس آزادی فعالیتها آموزشی پژوهشی و فرهنگی سازمان یابد.

● هرگونه انحصار طلبی در این زمینه رکود فرهنگی و علمی کشور را استمرار می بخشد.

● مشارکت کنندگان اعلام می داریم که آموزش عالی، آموزش همگانی است و برخلاف آنچه تا کنون بوده است، دانشگاه باید در جهت خدمت به طبقات محروم و تحت ستم قرار گیرد و یکی از محورهای دگرگونی نظام دانشگاهی باید تحقق

برخوردی جدی خواهند داشت و کوشش خواهند کرد تا در برخورد با این اختلافات به وحدت هر چه بیشتر و عمیق تر دست یابند و از آنجائی که چنین هدفی را تشخیص می دهند، به هیچ وجه عناصر رنکاران فرصت طلب و خام اندیش اجازه بهره برداری نخواهند داد.

بخشیدن به این هدف باشد. تا همه ارااد جامعه و خاصه فرزندان طبقات محروم و زحمتکش بتوانند به دانشگاهها راه یابند. از طرح ایجاد دانشگاه کردستان ایران به عنوان یک نهاد مردمی حمایت می کنیم.

● ما معتقدیم که باید دانشگاههای ایران، بویژه دانشگاههای خلق های تحت ستم ایران در راه احیای زبانها و فرهنگ های خود آزادانه قدم بردارند.

● نظام دانشگاهی باید در جهت همگانی شدن آموزش عالی، در جهت آمیختن علم و عمل و در جهت قرار گرفتن دانشگاه در متن فعالیت های گوناگون جامعه گسترش یابد و ایجاد چنین نظام دانشگاهی خواست انقلاب ایران است. یکی از شرایط اصلی تحقق این خواست استقلال نظام دانشگاهی است.

● استقلال نظام دانشگاهی وکلای دادگستری در صیانت حقوق و آزادیهای انسانی و قوف دارید. ما میدانیم که آن جناب به آلاشهای پرشمر و کلا و حقوقدانان معتقد در پیش برد امر مبارزه با رژیم ضد مردمی سلسله پهلوی احترام میگذارد، ماه میدانیم که چنانچه عالی آرزو دارید که سیمای انقلاب اسلامی ایران و جامعه ایرانی لکه دار نگردد، با در نظر گرفتن همه جهات و جوانب هشدار میدهم که با قاطعیت هر چه تمامتر در برابر شیوه غیر انسانی و غیر اصولی پاره ای از افراد و گروهها عکس العمل نشان دهید و هرگونه اعمال و فشار و تضییقات ناروا را در حق و کلا دادگستری و حقوقدانان محکوم و متعهد میباشید. وکلای دادگستری و حقوقدانان اگر در خصوص لزوم رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی ملت ایران اظهار نظر نکنند در واقع به تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی خویش پشت پا زده اند. اعمال فشار به ضرورت در مورد وکلای که با اقتضای حیثیت و شان خود در مقام دفاع از آزادی و اصول اساسی مردم بر آمده اند عملی است که به هیچ عنوان در جهت انقلاب و پیشبرد اهداف والای آن نمیتواند باشد.

جناب آقای نخست وزیر، این قبیل تضییقات و مزاحمتها از آن جهت چشمگیر و درخور توجه است که دنباله یک سلسله عکس العمل های پاره ای عناصر در باره اقدامات اصولی کانون وکلاء دادگستری و حقوقدانان متعهد میباشید. وکلای دادگستری و حقوقدانان اگر در خصوص لزوم رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی ملت ایران اظهار نظر نکنند در واقع به تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی خویش پشت پا زده اند. اعمال فشار به ضرورت در مورد وکلای که با اقتضای حیثیت و شان خود در مقام دفاع از آزادی و اصول اساسی مردم بر آمده اند عملی است که به هیچ عنوان در جهت انقلاب و پیشبرد اهداف والای آن نمیتواند باشد.

جناب آقای نخست وزیر، چیزی که بیش از پیش موجب نگرانی گردید اینست که بدنیال جریان تاسف آور مربوط به آقای متین دفتری آقای هوشنگ عیسی بیگلر وکیل دادگستری نیز مورد ضرب و شتم واقع شده و بگونه ای غیر انسانی بیش از پنج ساعت در دست عناصری اسیر بوده است که هنوز هم نا شناخته اند ولی آثار اعمال غیر انسانی آنان بر بدن آقای هوشنگ عیسی بیگلر باقی مانده است.

توالی این قبیل تجاوزات به حقوق و حیثیت انسانی وکلای دادگستری نمیتواند موجب نگرانی عمیق ما نباشد. ما یقین داریم که آن جناب عمیقاً به آزادی و حقوق بشری ارج می نویید و ما میدانیم که آن جناب به نقش حساس

جناب آقای نخست وزیر، چیزی که بیش از پیش موجب نگرانی گردید اینست که بدنیال جریان تاسف آور مربوط به آقای متین دفتری آقای هوشنگ عیسی بیگلر وکیل دادگستری نیز مورد ضرب و شتم واقع شده و بگونه ای غیر انسانی بیش از پنج ساعت در دست عناصری اسیر بوده است که هنوز هم نا شناخته اند ولی آثار اعمال غیر انسانی آنان بر بدن آقای هوشنگ عیسی بیگلر باقی مانده است.

توالی این قبیل تجاوزات به حقوق و حیثیت انسانی وکلای دادگستری نمیتواند موجب نگرانی عمیق ما نباشد. ما یقین داریم که آن جناب عمیقاً به آزادی و حقوق بشری ارج می نویید و ما میدانیم که آن جناب به نقش حساس

توالی این قبیل تجاوزات به حقوق و حیثیت انسانی وکلای دادگستری نمیتواند موجب نگرانی عمیق ما نباشد. ما یقین داریم که آن جناب عمیقاً به آزادی و حقوق بشری ارج می نویید و ما میدانیم که آن جناب به نقش حساس

بدون تحقق روابط دموکراتیک در دانشگاهها و موسسات آموزشی امکان ناپذیر است.

● اعمال هرگونه سیاست انتصابی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به معنای نفی اصول اولیه دموکراسی است و به گسترش روحیه بی تفاوتی و عدم قبول مسئولیت و بی نظمی و ناهنجاری علمی و اداری می انجامد.

● مدیریت دانشگاهی باید بر اساس مشارکت همه اعضای جامعه دانشگاهی (دانشجویان، کارکنان، استادان) و در قالب شوراهای هماهنگی سازمان یابد. شوراهای هماهنگی باید عالیترین مرجع تصمیم گیری در هرواحد آموزشی محسوب شود.

● مفاد این قطعنامه و اصل استقلال نظام دانشگاهی باید در قانون اساسی که توسط مجلس موسسان تدوین می شود منظور گردد.

وکلای دادگستری در صیانت حقوق و آزادیهای انسانی و قوف دارید. ما میدانیم که آن جناب به آلاشهای پرشمر و کلا و حقوقدانان معتقد در پیش برد امر مبارزه با رژیم ضد مردمی سلسله پهلوی احترام میگذارد، ماه میدانیم که چنانچه عالی آرزو دارید که سیمای انقلاب اسلامی ایران و جامعه ایرانی لکه دار نگردد، با در نظر گرفتن همه جهات و جوانب هشدار میدهم که با قاطعیت هر چه تمامتر در برابر شیوه غیر انسانی و غیر اصولی پاره ای از افراد و گروهها عکس العمل نشان دهید و هرگونه اعمال و فشار و تضییقات ناروا را در حق و کلا دادگستری و حقوقدانان محکوم و متعهد میباشید. وکلای دادگستری و حقوقدانان اگر در خصوص لزوم رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی ملت ایران اظهار نظر نکنند در واقع به تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی خویش پشت پا زده اند. اعمال فشار به ضرورت در مورد وکلای که با اقتضای حیثیت و شان خود در مقام دفاع از آزادی و اصول اساسی مردم بر آمده اند عملی است که به هیچ عنوان در جهت انقلاب و پیشبرد اهداف والای آن نمیتواند باشد.

جناب آقای نخست وزیر، این قبیل تضییقات و مزاحمتها از آن جهت چشمگیر و درخور توجه است که دنباله یک سلسله عکس العمل های پاره ای عناصر در باره اقدامات اصولی کانون وکلاء دادگستری و حقوقدانان متعهد میباشید. وکلای دادگستری و حقوقدانان اگر در خصوص لزوم رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی ملت ایران اظهار نظر نکنند در واقع به تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی خویش پشت پا زده اند. اعمال فشار به ضرورت در مورد وکلای که با اقتضای حیثیت و شان خود در مقام دفاع از آزادی و اصول اساسی مردم بر آمده اند عملی است که به هیچ عنوان در جهت انقلاب و پیشبرد اهداف والای آن نمیتواند باشد.

جناب آقای نخست وزیر، چیزی که بیش از پیش موجب نگرانی گردید اینست که بدنیال جریان تاسف آور مربوط به آقای متین دفتری آقای هوشنگ عیسی بیگلر وکیل دادگستری نیز مورد ضرب و شتم واقع شده و بگونه ای غیر انسانی بیش از پنج ساعت در دست عناصری اسیر بوده است که هنوز هم نا شناخته اند ولی آثار اعمال غیر انسانی آنان بر بدن آقای هوشنگ عیسی بیگلر باقی مانده است.

توالی این قبیل تجاوزات به حقوق و حیثیت انسانی وکلای دادگستری نمیتواند موجب نگرانی عمیق ما نباشد. ما یقین داریم که آن جناب عمیقاً به آزادی و حقوق بشری ارج می نویید و ما میدانیم که آن جناب به نقش حساس

توالی این قبیل تجاوزات به حقوق و حیثیت انسانی وکلای دادگستری نمیتواند موجب نگرانی عمیق ما نباشد. ما یقین داریم که آن جناب عمیقاً به آزادی و حقوق بشری ارج می نویید و ما میدانیم که آن جناب به نقش حساس

خلق ترکمن

بچه از صفحه ۱

روستایی تشکیل دادند و مقدار زیادی از زمینها را از دست غاصبین در آوردند.

از طرف دیگر، دولت تاکنون سیاست مشخصی در مورد مسأله ارضی ارائه نکرده است. به همین جهت غاصبین با استفاده از عدم ارائه سیاست ارضی دولت، درگیری های جزئی را بزرگ می کنند. و با تکیه به کمیته ها و ایادی خود در مراکز قدرت می کوشند زمین های غصبی را در اختیار خود نگاهدارند. اما اتحاد دهقانان سبب می شود که اینها نتوانند به آسانی به مقاصد خود برسند. در نتیجه کشمکش بین غاصبین و دهقانان در منطقه جاری است.

هشدار به دولت ما آمده ایم تا به دولت هشدار بدهیم، تا غاصبین یا همدستی ساواکی ها بار دیگر فاجعه بی در ترکمن صحرا بوجود نیارند. بخصوص که اکنون گرفتار برداشت محصول هستیم.

ما از قبل ایجاد یک توطئه در این فصل را پیش بینی می کردیم. از این جهت به شوراهای دهقانی خطر را گوشزد کردیم. مثلاً ممکن است محصولات را آتش بزنند. ما ایجاد درگیری را هیچوقت صلاح نمی دانیم، بخصوص در این زمان. ما به افشاکاری برای مردم و اطلاع دادن به دولت اکتفا می کنیم. دولت اسلامی که مجری قرآن است باید به حق عمل کند، و یا اگر پشت پرده چیزی هست به ما روستائیان ساده هم بگوید تا بدانیم.

در ملاقاتی هم که با رهبر انقلاب داشتیم، نظر ایشان این بود که وضع به نفع زحمتکشان تغییر پیدا کند. ایشان توصیه می کردند مردم همچنان که در دوران رژیم گذشته برای احقاق حق خود بیاخاستند، تا تحقق کامل خواسته هایشان از پانزدهیند، اما هوشیاری خود را هم از دست ندهند و از دسیسه های ضد انقلاب آگاه باشند، تا ساواکی ها در صفوف متحدان رخنه نکنند.

شوراهای دهقانی در ملاقاتی که با وزیر کشور داشتیم، وی صریحاً شوراهای دهقانی را تأیید کرد. بنابراین ما میتوانیم امیدوار باشیم که بتوانیم مسأله زمین را با نظر شوراهای دهقانی و ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و نماینده دولت که در منطقه مستقر است حل کنیم. ولی باز فکر نمی کنم که مسأله زمین بدون ارائه یک سیاست کلی از طرف دولت، به این آسانی ها حل شود.

ادامه دارد

ضایعات سکنه قلبی در تبریز زهاد شده

تبریز - «مرگ و میر ناشی از انفارکتوس» در این شهر شدت یافته است. یک پزشک معروف آذربایجانی که این مطلب را گفت، یادآوری کرد، هیجانناش ناشی از پخش برنامه های حزبانگیز و ملال آور در رادیو-تلویزیون به این بیماری دامن زده است. وی گفت هرده نفر که در طول

یک هفته از سکنه قلبی مرده اند و من بر بالایشان رفته ام بستگان شان مرگ را ناشی از افسردگی و فشار شدید روحی تماشای برنامه های تلویزیون و شنیدن خبرهای ملال آور مرتبط دانسته اند. این پزشک گفت با آنکه تخصص من بیماریهای قلبی نیست ولی کثرت بیماران مراجعه کننده به مطب پزشکان تبریز از مرگ و میر وسیع و ناگهانی، حکایت می کند که ریشه آن التهابات روحی است.

